هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۶۳، شنبه ۲ دی ۱۳۵۷

زلزله در ارتش شاه

درآخرین ومهمترین پایگاه رژیم ورشکسته شاه زلزله افتاده است. درحالی که بسیاری ازافسران ودرجه داران پست های خودرا ترک می کنندوفرار وسیع سربازان ازپادگان هاوسربازخانه هاشتاب دوارانگیزی یافته است، خبرهایی که از درون ارتش می رسدحاکی از بحران شدیدو غلیان وبی تابی دراین تنهادژ باقی مانده رژیم استبداد سلطنتی است. به دنبال حوادثی نظیر کشته شدن چندتن ازفرماندهان جزءوضدمردمی درپادشاه به دست سربازان وحمله مسلحانه سربازان میهن پرست به هلی کوپترشهیدعبرودادـ سوگلی شون آشام شاه ـ درهوانیروز، دستگیری گروه بزرگی ازهمافران ودرجه داران نیروی هوایی، ایجاد حفره دردیوارپادگان نیروی هوایی و فرار ۳۰۰ سرباز با مقادیر معتنابهی اسلحه و فشنگ ازاین رخنه، گزارش های موثق ازدرگیری خونین گروهی از نظامیان میهن پرست ایرانی باگماندوهای اعزامی اردن در پادگان جی آگاهی می دهد. حضور کماندوهای اردنی درارتش ایران درست درلحظه ای که جنبش انقلابی خلق های میهن ما با نثارهزاران شهیدوباشورانگیزترین حماسه های رزم وقیام و جانسازی درکار روازگون سازی بساط نکبتی وخونین سلطنت واستبدادوابسته به امپریالیسم جهانخوار، با توجه به اعتبارات مالی هنگفت عربستان سعودی به شاه ـ درحدود ۵ میلیاردتومان ـ و ورودصدها کارشناس به اطلاع فدشورش سپاه به تهران تحت عنوان دیپلمات سفارت امریکا و افزایش تعداد مستشاران نظامی وجاسوسان امریکایی در میهن ما تا ۸۰هزارنفر، ازوسعت توطئه ارتجاع وامپریالیسم جهانی علیه جنبش ملی وآزادیخواهانه مردم سلحشوروطن ماحکایت می کند. حضورناگهانی کماندو های اردنی درتهران در ضمن بی اعتمادی وسوءظن شاه رابه ارتش ایران که هرروزاز اودورترمیشود وصاحرو صفوفی ازآن به جنبش حقیقت و آزادی یعنی مردم می پیوندد، به وضوح نشان می دهد. در همین حال دوحادثه مهم در عرصه ارتش ایران از روندسریع تجزیه پایگاه نظامی حکومت استبدادی و نااستواری روز افزون این سکوی جهش رژیم که سالهای متمادی اساسی ترین ابزار سرکوب هرنظام وجودحرکت آزادیخواهانه وملی بودحکایت می کند. یکی ازاین رویدادها طغیان واحدهای ارتشی درروز ۲۷ آذرماه در تبریزبود که طی آن سربازان آزاتش گشودن به روی تظاهر کنندگان سرپیچی کردندواکثرآنها به تظاهر کنندگان پیوستند. آنها همراه با مردم غیوری که از بیدادا ستبدادوستم توانفرسای امپریالیسم مومیهن و زادگاه خودبه ستوه آمده وبرای محو این تقدیر شنیع در برابر تانک ها و مسلسل ها سینه سپرگرده بودندوخیابان های شهرتبریز به دادن شعارهای پرلهیب و انگرسیاسی پرداختند. مردم لباس های خودرا ازتن خارج کردندوبه این برادران نظامی خودپیوستند. سربازان در آغوش مردم گریستندومردم باارانی ازنقل وگل بر سرورویی آنها پاشیدند. سربازان فریادمی زدند: ننگ برآنهاکه مارا ازشما جداکرده اند. ومردم در توفانی ازاشک وگل وبوسه وشعارهای رنگارنگ سربازان رابردوش گرفتند، برسودست بلندگردندو نگرارکردند:

ـ ننگ برآنهاکه برادران راازهم جدامیکنند

پیوندسربازان با مردم چنان رژیم راوحشت زده کردکه بلافاصله به تعویض سربازان واعزام فوری سربازازشهران وشهرهای دیگرازطریق هواپیما به تبریز پرداخت. اما سربازان تازه واردنیز اعلام کرده اندکه حاضرنیستندبه روی هم میهنان خودآتش بگشایند. بحران درپادگان تبریزهمچنان ادامه دارد.

هفته پیش ازاین واقعه تکان دهنده دیگردر لشکرگاه واقع درپادگان لویزان رخ داده بودکه فرمان مرگ محتوم این رژیم ضدخلقی وسرسپرده امپریالیسم راآوازمی داد. دراین روزگروهی از سربازان میهن پرست وجانبازگارد جاویدکه تنها کنون مستحکم ترین پناهگاه شاه بوده است ـ به همراهی یک سروان ویک ستوان وفاداربه آرمان های میهن ومردم (ازگردان تانک) به مزدوران ترین افسران و فرماندهان ضدملی حمله ورشدند و به قصابی جنایتی که آنها هرروزوهرلحظه علیه مردم قیام کرده از ظلم و استبدادمرتکب می شوند، به خاک وخونشان کشیدند. دراین حمله سرتیپ حسین مدری، سرهنگ نجم آبادی، سرهنگ علی عسگری (فرمانده ۲۰۰تانک گارد جاویدان) سرهنگ بهرجندی، سرهنگ صناعی فرد (فرمانده گردان تانک) سرگردمرجانی (معاونت دژبان پادگان لویزان) سرگردمیرهادی، ستوان یکم کلاه حمدی همراه باگروه دیگری ازافسران گاردشاهنشاهی کشته وگروه بیشتری به شدت مجروح شدندکه حال برخی ازآنها به شدت وخیم است. جمع کشته شدگان ۲۷ افسرو ۴۱ درجه دارو سرباز است. جمع از هفت

دنباله در صفحه ۲

مردم قهرمان ایران! با اتحاد و تشدید مبارزه توطئه خونین استبداد و امپریالیسم را درهم شکنید

(اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

تظاهرات واعتصابهای اجتماعی وسیاسی دامن گستری که سراسرکشوررا فراگرفته رژیم سلطنت استبدادی محمدرضاشاه رابیش ازپیش به سوی انهدام می برد.

روزی نیست که صدها وهزارها مبارزمیهن پرست به دستورشاه دژخیم وحامیان امپریالیستی آن به خاک هلاک نیافتند. یورش های سبعانه رژیم به توده های زحمتکش روزبه روز شدیدترمی شود. صدای رگبارمسلسل ها وغرش توپ وتانک هاکه دراین روزهاتهران، تبریز، آبادان، اصفهان، مشهد، شیراز، سنندج، مهاباد، همدان، کرمانشاه، قم، اهوازودهها شهروشهرک دیگرکشوررابه لرزه در آورده صفحات خونین جدیدی برتاریخ ننگین سلطنت منفور پهلوی می افزاید. سراسرجهان به نبردهای قهرمانانه وجانبازانه مردم ایران علیه امپریالیسم ودست نشاندگان داخلی آن به دیده تحسین می نگرد.

مردم ایران خواستارآنندکه بساط ننگین سلطنت برچیده شود، یک دولت ائتلاف ملی برسرکار آیدکه بتواننده موکراسی واستقلال ملی، رفاه زحمتکشان وسالمسازی اقتصادی کشوررا تامین کرده ومجلس مؤسسان رابرای تدارک قانون اساسی موافق مقتضیات امروزی تکامل ایران وجهان برپایه انتخابات آزادوهگانی تشکیل دهد.

اکثریت قاطع مبارزان انقلابی که قهرمانانه پای درعرصه پیکارسخت وخونین بادشمن فداوکار وحیله گرگذارده اندوازهیچگونه فداکاری و جانبازی مضایقه ندارند، خواهان تحول بنیادی عمیق در جامعه هستند.

ولی رژیم که ازحمایت بی دریغ امپریالیسم برخورداراست باپایمال کردن ابتدایی ترین حقوق وآزادی های دموکراتیک وتبدیل کشوربه کشتارگاه میهن پرستان، امکان هرگونه تظاهرات مسالمت آمیزرابرای ابرازنظرکه حق مسلم وقانونی مردم است ازبین برده وعملا همه راهها رابرای مبارزه مسالمت آمیزمردم بسته و آتش جنگ داخلی رادرکشوردامن می زند.

واما سوالی که اکنون برای توده ها مطرح است این است که: چه بایدکرد؟

این سوالی است که نیروهای اپوزیسیون ضد رژیم درمجموع خودموظفندبدان پاسخ دهند. حزب ما برآنست که باتوجه به تعمیق روزافزون بحرانی که کلیه شئون کشوررافراگرفته، به علت وجود یک سلسله عوامل وامکانات عینی، گسترش بازهم بیشترجنبش و پیدایش اشکال نوین مبارزه تمرکزی توده های مردم اجتناب ناپذیراست. مسلم است که جنبش باتامین رشد شرایط ذهنی هماهنگ باعوامل وامکانات عینی می تواندرشد پرتوان تراز اکنون راتمیزتامین نماید.

پراکندگی در صفوف نیروهای اپوزیسیون وعدم رهبری سیاسی وبرنامه واحدیه مثابه یکی ازعمده ترین نارسایی های جنبش متاسفانه همچنان ادامه دارد. خلق مبارزایران امروزکه رژیم تبه کار، مردم بی سلاح رابه رگبارمسلسل می بنددوزیرزنجیر های تانک له می کندوباقتل عام بی سابقه آنان سیل خون جاری می سازد، باقاطعیت هرچه تمامتر خواستاررهبری هماهنگ سیاسی است. باچنین وضعی بیش ازهمیشه وقت آن رسیده است که نیروهای اپوزیسیون ضدرژیم اعم ازاحزاب وگروه هاوشخصیت های سیاسی، عوامل ذهنی، اختلافات عقیدتی وسلیقه های شخصی راکنارگذارندو به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که درمرحله کنونی هیچکدام از احزاب سیاسی وبه طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادرنخواهندبودجنبشی راکه توده های خلق بدان فعالیت برجسته ووسیع ملی ودموکراتیک داده اند، به پیروزی درخوردی برسانند. به همین جهت حزب توده ایران باتمام قوا درراه ایجاد جبهه واحدبا شرکت کلیه نیروهای ضداستبدادی و ضدامپریالیستی مبارزه کرده ومی کند.

جنبش انقلابی مردم که به طورعمده باابتکار توده هابه مرحله کنونی اوج خودرسیده، کلیه احزاب وگروه های سیاسی وشخصیت های ضدرژیم رابا مسئولیت تاریخی خطیری روبروکرده است که نمی توان اززیربارآن شانه خالی کرد.

حزب توده ایران علی رغم برخی موضع گیری های نادرست که ازطرف عناصرمختلف درمسئله

دنباله از صفحه ۲

توطئه جدید شاه ـ آمریکا

زدوبندهای پشت پرده ـ بدون درنظرگرفتن مردم وبه حساب آوردن خواست های آنها که اینک با دریایی ازخون ورنج مشترک شده ـ سرانجام به صدورحکم نخست وزیری دکترغلامحسین صدیقی ازطرف شاه منجرشد. تلاش نیروها ورهبران ملی برای منحرف کردن دکترصدیقی از پذیرش مسئولیت نخست وزیری ـ که هیچ یک ازرجال وشخصیت های باانفوذسیاسی زیربارآن نرفته اند ـ هنوزبه نتیجه نرسیده است. دکتر صدیقی که درکابینه دکترمحمدمصدق وزارت کشوررابه عهده داشت بیگانه ازاین حکم نفرت معروف که "توبه گرگ مرگ است" برآنست تابه گمان خودازشاه مستبدیک شاه مشروطه بسازدواورا در چارچوب "قانون اساسی" محبوس کند. گویی لنین آموزگارربزرگ انقلاب درپاسخ چنین ساده پندارانی بودکه گفت "لطمه واردساختن ومحدود کردن دارنگحکومت استبدادی کافی نیست. بایدآن رانابودکرد". مادام که حکومت استبدادی نابود نشده، گذشت های نزار (بگوشاه) همواره ناپایدار خواهدبود. هروقت فشارانقلاب شدت یافته، سلطنت مطلقه گذشت کرده است، ووقتی این فشارضعیف شده، تمام گذشت هاراپس گرفته است". (مقاله درس های انقلاب)

در توافق بادکترصدیقی، دژخیم تاجدارکه همه درهارابه روی خودبسته می بیند، تعهدکرده است آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، محدود شدن اختیارات ساواک وتصفیه عناصرجنایتکار آن رابه رسمیت بشناسدو به آن تن دردهد. تجزیه قوای سه گانه مجریه، مقننه وقضائیه ازیکدیگر و برداشتن سلطه قوه مجریه ازدو قوه دیگرتامین شود، هرچه زودترزمینه آزادی انتخابات برای تشکیل یک مجلس ملی فراهم آید، اختیارات محاکم نظامی به دادگستری بازگردانده شود... اما علی رغم همه این عقب نشینی های تاکتیکی ارتش این ابزارسرکوب خلق وچماق همیشه آماده شاه، دردست بزرگ جلادان باقی خواهدماند.

سازشکاران ازهرسوبرای موفقیت این آخرین شگردرژیم رویه زوال به تکاپوافتاده اند. اما درهمین حال آیت الله خمینی به دکترصدیقی پیام داده است که خودش راکنارنکشد، وگرنه جنبش مصمم و آشتی ناپذیرمردم اوراخواهدروفت. و جبهه ملی هم اعلام کرده است بااین طرح سازشکارانه به مبارزه خواهدپرداخت.

باتوجه به تلاطم هاوسی فزاری های ارتش که هرروزاین آخرین پایگاه رژیم رابرای اوناامطمئن ترو خطرناک ترمی سازد، وباتوجه به گرایش روز افزون نیروهای نظامی به سوی جنبش، شاه می خواهدهرطورشده ارتش راازخیابان ها ومعابر برچیندتاازتماس مستقیم سربازان وافسران با مردم جلوگیری کند.

شاه باموابدیدارباپان و مشاوران امریکایی وراهنمایان شناخته شده ای نظیردکترعلی امینی باروی کارآوردن دولتی نظیردکترصدیقی که تائید پاره ای ازشخصیت هاومنامرمتزلزل، وحشت زده و نیم بندحاشیه جنبش درپشت سرآنست، به خیال خودمی خواهدازیکسو بین مخالفان شکاف بیندازد و جبهه یکپارچه آنهارادربرابردربا روزبرسم استبدادی وحامیان امپریالیست آن تاحدمقدور پریشان سازدوازسوی دیگرارتش متزلزل وروحیه باخته راکه هرروزشاه بیگانه ترمی شودبه پادگان ها برگرداندو برای یک هجوم وسیع، سریع و غافلگیرانه تجدیدسازمان دهد، فرماندهان موردا طمینان وخودفروخته ترین عناصردربساری و آمریکایی رادر نقاط حساس آن بگمارد وآماده یک کودتای احتمالی سازد.

آقای دکترصدیقی آیا مسئولیت چنین دسیسه ای راکه شواهدبسیاری درتاشیدخودداردا، به عهده می گیرد؟

ومردم... آنهاکه برای پایان بخشیدن به حاکمیت ستم وچپاول وشکنجه شهرهاوروستاها رابا خون پاک شریف ترین فرزندان خودرنگین کرده اند، پس ازاین همه محنت و مصیبت ودرد، به این نوع تبانی هاکه دست امپریالیسم امریکاازپشت صحنه درکارگردانی آن به چشم می خوردو تمام نیروغ سیاه ارتجاع داخلی درآن مایه گذاشته شده است، بالبخندامتهزاء می نگرند. آیاوقت آن نوع سازش هاو توافق های نیم بندودسیسه آمیزکه از پشت سرمردم صورت می گیرد، نگذشته است؟

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد» «لنین»

جوی خون در شهرها جاری است

اکثر شهرها غرق آتش وخون ومرمحماسی ترین مقاومت وجانبازی توده های مردم است . نیرو اعتصابی صدها هزارکارگروصدها هزارکارمندو پیشه وروکاسب وتاجرو دانشجو واستادومعلم وروزنامه نگاردرمتن تظاهرات وراه پیمایی های میلیونی کم تاریخ جهان کمترنظیر آن رابه یاد دارد ارتجاع هارسلطنتی و اربابان امپریالیست آن را به عکس العمل و مقابله وحشیانه و به راه انداختن شهرهای خون برانگیخته است . گلوله باران زنان ومردان و کودکان بی دفاع درکوچه هاو خیابانها و میادین شهرها ، آتش زدن خانه هاو محل کسب و کارخلق های عامی ، به راه انداختن مزدوران و اوباش چماقدار ، حمله شبانه به خانه مردم ، ربودن آزادیخواهان ومقاومت کنندگان ، اشغال نظامی هرمرکزتجمع و تحرک وهر کانون اندیشه و رویش ، جزوعادی ترین برنامه های روزانه دولت نظامی باغی و رژیم شاه امریکایی شده است . کارنامه خونین رژیم شاه آمریکایی را درروزهای اخیر به مثابه جلوه ای از نیاد وروح این نظام ننگین به اعتصارمرورمی کنیم :

یـــزد

درتظاهرات عظیم روز۲۴ آذرماه ۱۰نفرشهید شدند .گروه مجروحین چندبرابرشهدا بود .

اصفهان

درهجوم چماقداران وچاقوکشان رژیم تحت حمایت بی پرده نیروهای مسلح درروزهای پی از تظاهرات باشکوه تاسوعا وعاشورا ۴۸ نفرشهیدودهها نفربه شدت مجروح شدند . صدهااتومبیل توسط نیرو های مسلح وچماقداران خردشدوسپرک سیارشاهانه در خیابانها ضمن دادن شعاربه نفع شاه امریکایی به تخطیروتوهین مردم وشکستن مغازه هاوواداشتن زنان چادری به بایکوبی مسخره وشعاردادن به نفع آریا مهرهوخوار ، پرداخت .

کرمان

روز ۲۴ آذرماه ، در مراسم هفتمین شب شهادت یکی ازقردم ، گرازهای مسلح رژیم جمعیت رابه رگبارمسلسل بست و ۴ شهیدبرشهدای فزاینده خلق رشیدیده ما افزود .

خوانسار

درتظاهرات روز۲۳ آذرماه رگبارگلوله مزدوران شاه عتن از میهن پرستان رابه شهادت رساند . آمارمجروحین را ۱۵ نفر اعلام کرده اند .

مشهد

درمشهدگرازهای هاری که به طرفداری ازرژیم خائن وجنایت پیشه شاه به خیابانها هجوم آورده بودند ، به بیمارستان های شهرهم حمله کردند و پرستارو پزشک و بیمارراب گلوله بستند .دوکودک راکه دست دردست پرستاران داشتندپاره آجر کشتند . دراین حمله وحشیانه شعاردیگری هم در کنارشعارنفرت انگیز " جاویدشاه " داشتند : مفید بوشهارا بکشند !

در بیمارستان ۱۲ شهریور (قبلا ضیغمی نامیده می شد) نیروهای مسلح رژیم به روی مردمی که آمده بودندتاجانب دست هاراازبیمارستان بیرون کنند ،نیروی بیمارستان به حمایت ازاوباشان دست پرورده ساواک و فرماندارنظامی و شهربانی مشهد ، آتش گشودندکه منجر به مجروح شدن ۲۵ نفر شد .

نفرت انگیز ترین صحنه ها دربیمارستان دکتر مصدق (شاهرضای سابق) روی داد . طی دوروزی که طرفداران اوباش صفت شاه در مشهدبه اصطلاح تظاهرات ملی و میهنی برپاکردندبه بیمارستان های این شهرحمله شد . صحنه هایی ازاین جنایت رابرپزشکان مشهددر کنفرانسی که دربیمارستان خمینی (پهلوی سابق) باشرکت صدها پزشک وبا حضوربرخی از شخصیت های ملی مبارزتشکیل شده بودتشریح کردندو فیلم هایی راکه پزشکان ، خود ازاین عملیات گرفته بودندبه نمایش گذاشتند . به دنبال این عملیات مردم مشهددر مراسم تشییع جنازه شهدای حمله به بیمارستان های مشهد تظاهرات باشکوه چندهزارنفری برپاکردندوبک باردیگریکبارچگی ونفرت خودرا ازرژیم پوسیده شاه نشان دادند .

گزارش های رسیده ازبه راه افتادن جوی های خون وبه خاک غلتیدن صدهاشهید وصدها مجروح درشهر های قم ، نیشابور ، سبزوار ، تهران ، کاشان ، بافت ، آبادان . . . ودیگرشهرهای میهن حکایت میکند . امانقلاب ازمیان دودوبارروت وخون شهدا و آتش که درخانه وگاشانه میهن پرستان و آزادیخواهان افتاده ، باچهره مصمم راه خود را می گشاید . ازهرقطره خون شهدا ، صبارزجدیدی برمی خیزدوبا به میدان می گذارد .

تأسیسات نفت دراشغال نظامی رژیم

کارکنان صنعت نفت جنوب که نیرداعتصابی آنها نه تنهاپشت رژیم لرزان شاه راهم کرده ، بلکه امپریالیسم جهانخواررانیز به دهشت انداخته . در پانزدهمین بولتن خبری خودا علام کرده اند : " افسران ارتش جهت تولیدنفت خام صادرات ، ریاست نواحی بهره برداری رابه عهده گرفته اند . " ورودافرادنیروی دریایی تحت عنوان تکنیسین فنی به واحدهای بهره برداری باعث شده است که صدمات زیادی به توربین ها و تجهیزات واحدهاوارد آید . تلمبه خانه یک و دو امیدبسته شده . تلمبه خانه اهواز به خارک از کارافتاده . تلمبه خانه عظیم نفت خام گوره به استثنای دو توربین دیگرکارنمی کند ."

رادیومسکو نیزازقول آیت الله خمینی خبر داده است که رژیم درنظرداردبرای ادامه تولید نفت عده ای از کارشناسان اسراخیلی رابه ایران واردکند .

کارگران وکارمندان رزمنده صنایع نفت در خبرنامه خودتاکیدکرده اند : " حال که همه ردی ملی و صنفی ما اعتمادمان رانسبت به هم تشدید وهمبستگی مان رامحکمترکرده است ، می کوشیم با اعتماب یکپارچه خودهرچه زودتوزنجیرهای پارتی راکه بردست و پای مازده اند ، پاره کنیم وسلسله شوم جنایتکاران داخلی وخارجی راازسرخودوهم میهنانمان محونماییم .

آخرین گزارش حاکی است که موج دستگیری ها و اعمال فشاربلیسی برکارگران رزمنده صنایع نفت بالاگرفته است وکارگران اعتصابی رابه محاکمه نظامی تهدیدکرده اند .رادیو مسکو اطلاعدادهاست که کارگران اعتصابی رابه زوربااتوموبیل های نظامی وتحت محافظت سربازان به معادن نفت منتقل می کنند . اماسندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت ایران طی بیانیه ای به تاریخ ۲۴ آذرماه ، پس از اشاره به اهمیت نفت دربه کارانداختن چرخ های اقتصادی کشورهای غارتگرامپریالیستی و شرایط دشوارزندگی وکارزحمتکشان نفتگروسارزات قهرمانانه آنان درراه ملی کردن صنایع نفت ایران ، اعلام کرده است که :

ماکارگران صنعت نفت به لحاظ این که ناظرونا هدفمندی تاراج وبخشای بیدادگرانه امپریالیسم نسبت به ثروت های ملی خودهستیم ، مصمانه وبا قاطعیت میرآنیم که باخوددارروصناعت ازانجام کاربه جریان تولیدوصدور نفت خاتمه داده ودیگراجازه ندهیم که ستون پنجم دشمن بدون درنظرگرفتن خشم ملت ایران بیش ازاین هستی مارا به تاراج برد .

دراین اعلامیه به دولت نظامیان مزدوراخطار شده است که علی رغم همه کارشکنی هاواعمال فشارها ، اعتصاب رزمی کارگران قهرمان نفت تا حصول پیروزی کامل ادامه خواهدیافت .

ضمنا طی اطلاعیه ای که ازسوی سندیکای کارکنان نفت منتشر گردیده ، اعلام شده است که کمبود نفت درباز ارهای کشوربه علت ذخیره کردن نفت و بنزین توسط ارتش بروز کرده است .

ماباردیگرازهمه کارگران ایران دعوت میکنیم که باا عتصابات همبستگی به پشتیبانی ازنیرد دلیرانه رفقای کارگرخودرصنعت نفت بشتابند .

وظیفه همه نیروهای میهن پرست وآزادیخواه است که به هروسیله ، ممکن به حمایت مادی ومعنوی همبستگی وسیع ازاعتصاب قهرمانانه وسرنوشت ساز کارگران مبارز نفت برخیزندو فعالیت های خود رادراین زمینه تشدیدکنندو اجازه ندهندکه رژیم بااستفاده ازتمرکز نیروی قهروسرکوب خود ، اعتصاب رزمی کارگران دلیرنفت رادرهم شکند .

مردم قهرمان ایران! . . .

اتحاددیده می شود ، وظیفه خودمی دانندکه دراین لحظات حساس وسرنوشت سازتاریخ میهن ما باردیگر ضرورت مبرم تشکیل جبهه ضدیکتاتوری برای مقابله با توطئه های امپریالیستی ، خنثی کردن آن ، منفردکردن وبالاخره سرنگون ساختن رژیم سلطنت وروی کاراوردن یک دولت موقت ملی وآزادیخواه یادآورشود . طبیعی است که حزب ما برای هرگونه اقدام بی درنگ دراین زمینه درهرلحظه ای آماده است وهمه نیروهای اپوزیسیون رابه مسئولیت خطیر تاریخی آنها توجه می دهد .

ماتردیدنداریم که مردم دلاوروقهرمان ایران که چنین صحنه های اعجاب انگیزی ازفداکاری و جانبازی درراه مرام مقدس خلق ایران ازخودنشان می دهندومقابل توطئه های جنایتکارانه رژیم غدارمحمدرضاشاه وامپریالیسم حامی آن کوچکترین گامی به عقب برنخواهندداشت .

مردم ایران !

باانجام نیروی خودوباتوسل به همه شیوه های مؤثر مبارزه وبابه کاراندختن کلیه وسائلی که می توان به کاراندخت ، توطئه تبه کارانه شاه وامپریالیسم رادرهم شکنیدواین نبردبسیار دشواروپرافتخاررابه پیروزی قطعی برسانیدوپرچم آزادی واستقلال رابرفراز کنید !

سربازان ، افسران ، درجه داران میهن پرست نیروهای مسلح ایران !

شماکه ازمیان خلق برخاسته اید نگذاریدکه استبدادوامپریالیسم جنایات موحش خودرا علیه پدران ، برادران وخواهران شمابه دست شما انجام دهند . به ندای حق طلبانه " مردم پاسخ دهید ، در کنارجنبش بزرگ خلق علیه دشمنانش قرارگیریدواز هرطریقی که ممکن می شودبه توطئه های ایران براندازاستبدادواستعمارراخنثی کنید . این وظیفه مقدس میهنی وملی شماست !

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۴ آذرماه ۱۳۵۷

فاجعهٔ تکان دهندهٔ نجف آباد

شهرنجف آباد واقع درده کیلومتری غرب اصفهان ، درروزسه شنبه ۲۱ آذرماه شاهدیکی ازوحشیانه ترین عملیات دژخیمان واوباشان ساواک ، شهربانی و ارتش رژیم ضدخلقی شاه بود . دراین روزبه دنبال تظاهرات پرشورو آزادیخواهانه مردم درروزهای تاسوعا وعاشورا ، دربی یک صحنه سازی توطئه آمیز سرگرددوالفقاری رئیس شهربانی مزدوررژیم بابلندگو در خیابان های شهربه فحاشی وناسزا گویی به مردم می پردازدوبا تهدیدازمردم میخواهد که به خیابانها آمده وبه نفع جلادانجدارشعار دهند . سپس هجوم اوباشان مسلح رژیم به شهرآغاز می شود . اکثر منازل ، مغازه ها و فروشگاه ها با گلوله های آتش زابه آتش کشیده می شود . اهالی شهراززن ومردوکودک موردضرب وشتم دژخیمانه قرار می گیرند . جانیان مهاجم با مسلسل مردم را در خانه ها وخیابانها به رگبارگلوله می بندند . هر کس راکه سعی درخاموش کردن آتش داشت به ضرب گلوله ازپای در می آورند . این هجوم بربرمنشانه بیش ازمشهیدو صدها مجروح برجای می گذارد . تعدادزیادی ازاجسادراماموران با کامیون دردل شب به بیابانهای اطراف برده ودرخاک می کنند . شاهدان عینی نقل می کنندکه ازشهرنجف آباد جز یک ویرانه وتلی ازخاک چیزی باقی نمانده است .

زلزله درارتش شاه

حمله کننده رشیدبه مزدوران گاردجاویدان به شهادت رسیدند . این فرزندان وفاداربخلق عبارت بودنداز :

۱ـ ستوان یکم (افسرپدافند۲)؛
۲ـ گروهبان یکم اسلحه داربدافند۲یا۳؛
۳ـ گروهبان دوم کمک اسلحه دارگارد جاویدان ؛
۴ـ سرباز وظیفه سری ۱۳۸ گاردجاویدان ؛
۵و۶ـ دوسرباز پیاده سری ۱۳۸ گاردجاویدان؛
سروان هوانیروز (غلامان علی کوچپرمستقر درپادگان) دستگیرشد .

براساس گزارشی که ازپادگان لویزان گارد جاویدان شاهنشاهی رسیده ، گروهبان یکم شهید یک مسلسل ام .ژ . ۲ با ۳۰۰۰ نیروبقیه شهدای دلیر هریک تفنگ ژ۳ با ۳۰۰ فشنگ همراه داشته اند فشنگ ها در ۱۵ خشاب ۲۰تیری بوده است .همچنین یک هلی کوپترمسلح با اسلحه کالیبر۵۰ (۱۲/۷) در اختیارسروان شهیدبوده است .

فرزندان خلق در پادگان لویزان نقشه نابودی سوخت ترین دشمنان مردم ایران رابه این ترتیب به مرحله اجرادرمی آورند :

یک مسلسل جی گروه جانبازان شهیددربرابر درخروجی فرارمی گیرد ، یک سرباز برای از پای درآوردن دوسگهایی که برفرازبام ساختمان ۸ طبقه پاسداری می داده اندمی رودوپس ازموفقیت به بقیه افرادمی پیوندند . آنگاه گروه جانبازان از در ورودی داخل زیرزمین ساختمان که محل نهارخوری وآشپزخانه است می شوندو نهارخوری افسران ارشدرابرباران گلوله و آتش می گیرند . چنین ازافرادگروه جانبازان درجریان این حمله که چندساعت به طول می انجامدیکی پس ازدیگری به خاک وخون می غلتند ، تنها سروان هوانیروز (غلامان علی کوچپتر) دستگیرمی شود . درجیب یکی ازسربازان شهیدنامه ای به دست آمدکه درحکم وصیت نامه ای بودخطاب به پدرومادرش . دراین وصیت نامه که با خون سربازشهیدرنگ شده بود ، این کلمات به چشم می خورد :

پدر ، مادر
ازمن راضی باشید .بهترتان یک شهیدمردم است
سرهایتان رابالابگیرید .

درودبرتوبرسه شهدای ملی گاردجاویدان . آنها که انطباق صدمردمی برسرزخانه ای واطاعت کورکورانه رادرپای منافع حیاتی مردم خودبه خاک انداختندودرراه آرمان های میهن وآزادی خون پاکشان راتثارکردند . مردم شهدا و قهرمانان خودرا هرگز فراموش نمی کنند . افتخارابدی بر آنها . . .

پرویز احمد

سرنگونی استبداد سلطنتی ، استقرارجمهوری وتشکیل دولت ائتلاف ملی

خواست مبرم جنبش انقلابی مردم ایران است

هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب توده ایران)

سال چهارم ، شماره ۶۴ ، شنبه ۱۶ دی ۱۳۵۷

توطئه جدید ارتجاع و امپریالیسم و دورنمای جنبش انقلابی خلق

انقلاب درخون شهدای خود "ازهاری" ودولت نظامی اورا خفه کرد. شاپور بختیار رنگ خال جدیدی است که از آستین ارتجاع سلطنتی به زمین زده شده است. از پشت سراین جیمز بانده جدید سیاسی سایه امپریالیسم بانگی کاملا به چشم می خورد. کلاهتان را بردارید! پاپاسوئل وطنی انواع آزادی ها واسباب بازیهای رنگارنگ رادراختیان خوددارد.

ازحدود دوماه پیش که انقلاب گسترده ایران با موج های سهمگین وخونین خودبه های استبداد و مواضع امپریالیسم رابکی پس ازدیگری درهم کوبید، درمیان انواع تشبث ها و شعوبذی بازی هایی که امپریالیسم برای نجات رژیم لرزان وپی دورنمای شاه ومواضع شالوده ای خودبه کاربرد طرح ویژه ای وجودداشت که خبرگزاری یونایتدپرس ورادیوهای لندن ومسکو، با عبارات تقریبا مشابهی آن راچنین وصف کردند:

"عوامل واشنگتن باپاره ای ازمخالفان رژیم شاه درتهران تماس گرفته اند".

و معجزه نخست وزیر آزادیخواه جدیدکه باساز دهل کوشخاش ترین تبلیغات پیشباز زند (دردیوار ترین لحظاتی که حکومت نظامی، دولت ژنرال ها و امپریالیسم وپایگاه آن، دربار، زیرضربات توانفرسای بزرگترین جنبش انقلابی ایران کمرخم کرده بودند) به این ترتیب به منصه ظهوررسید.

برای این که دکوروآرایش صحنه ازهرحیث کامل وطبیعی به نظر آید، تغییرو جابه جایی برخی مهره های شناخته شده ورسواضروری می نمود. کنارگذاشتن شیطانک خونریزی نظیر ارتشبد اویسی، پیش درآمداجرای خیمه شب بازی جدیدا امپریالیسم - بختیار بود. سفرموقتی شاه به خارج از کشور نیز - که به زودی اعلام خواهدشد- پرده دیگر آنست...

بختیارباهای وهوی وبورش تبلیغاتی بی سابقه ای به میدان آمد. اوبه خیال خودش درپشت جملات رعنا و دهان پرکن ونطق های غرا پنهان شد، تا چهره سازشکاریک بهودای جدیدراکه برسرخون دهها هزارشهیدبادخیمان آنها به معامله نشسته بود، بپوشاند. اودر سخنانش که بیشتراز آنچه مغزو محتواداشته باشد، پوسته ورنگ ولعاب داشته از هرچه که غیرلازم است سخن گفت، تا همه آویزه هایی راکه لازم است، نگوید. نخست وزیرجدید به اصطلاح خودش رابه کوچه علی چپ زدو پنبه درگوش کرد، تانعره خشم وآرزوی زمی میلیون ها قیام کرده سوگواررا که باشعارهای سوزان ومشت های گره کرده خودشاه رابه مثابه توجه امپریالیسم و چماق بالای سرخلق ورژیم سلطنت استبدادی رابه عنوان سدراه هرگونه تحول وحرکت و شگفتگی، آماج قرارداده اند، نشنود. اودرحرف ها ووعده هایش که باسرخاب و سفیداب عوامفریبی فلسفی آرایش شده بود، درباره وضع شاه ودربارکه سرچشمه و علت جنایات وپلیدی ها و طاعون سیاسی واقتصادی واجتماعی وفرهنگی میهن ماست، مطلب روشنی نگفت به مجلسین که مظاهرچرکین دوران پکیت و خفقان و سقوط اند، اشاره نکرد، باواک راکه ابزارامنی دیکتاتوری وتحمیل و گانگسترپیم سیاسی است، زیرلوای لفظی "انحلال" درواقع حفظ کردو جامه های نوبه تن آن پوشاند، ارتش رابا وجودجلوه های بارزخلقی اش وباوجودآن که به عیان اراده امپریالیسم و استبدادبرآن چیره است وبه صورت سرنیزه برهنه ای، سینه مردم را نشانه گرفته، تشبیت کرد، مساله حضوردهها هزارکارشناس نظامی ومزدوروجاسوس امریکایی را که بیرارتش ومواضع کلیدی اقتصادایران چیره اند، مسکوت گذاشت. او پرده سکوت توطئه آمیزخودرا به روی این زگیل ها وجوش های چرکین که سیمای ایران راکدرکرده کشید، تاباب معرکه گیری برای رژیم شاه، آن راازسقوط برهاند. اما مردم هوشیاری که باشعارخون وجان به مهلکه آمده اندو فوج فوج درپای بت استبدادوابلیس امپریالیسم به خاک وخون می غلتند، بابلوغ سیاسی اطمینان بخش این دلال بی موقع وخروس بی محل راجواب می کنند. آنها می پرسند: این چگونه نخست وزیری است که در میان آمپلیون کارگراقتصادی، ده میلیون دانشجو ومحصل و۴۰۰ هزارمعلم واستادکه درسنگر رزم اعتصابی اند، میلیون ها روستایی وکشاورز، میلیون ها کارمندو روشنفکروروزنامه نگاروهنرمند و تاجرو کاسب که به جنگ خونین بارژیم استبدادی وحامیان آن برخاسته اند، کمترین پایگاه وپشتوانه ای ندارد!؟ این چگونه صدراعظمی است که ارتش برای او کره نعره دنمی کند. ارگان های قدرت رژیم به چشم یک عضو خارجی که بابدچندصباحی تحمل شود، به او می نگرند. و دربارابه مثابه آقابالا سرهمه کاره به بازیش گرفته!؟ عزایزن است که این قلب مصنوعی طبیل به توصیه واصرارامپریالیسم در سینه رژیم کارگذاشته شده تاجثه افلیج وفربه و فاسد آن رااز تلاشی کامل بازدارد؟

دولتی که نه باتکیه بریک طبقه یاقشرنیرومند اجتماعی، بلکه باسرانگشت سیاست های ورشکسته و آزمندبه صحنه می آید، آیا نمی تواندهروقت که لازم آید، باهمان سهولت وهمان سرانگشت تدبیر ساز کنارگذاشته شود؟ چنین دولتی چگونه میتواند مجری سیاست های واقعا ملی باشدوبه عمیق ترین و مبرم ترین خواست وآرزوی جنبش یعنی قطع شریان ها و ریشه های مرئی ونامرئی امپریالیسم که در تمام شئون میهن مادویده، جامه عمل بپوشاند؟ هر نوع دعوی و نطق وخطابه به قصد مخدوش نشان دادن این واقعیت تنها عوامفریبی برای پاشیدن آب بررزبانه های سرکش جنبش ملی ودموکراتیک خلق های ماست.

درعین حال نباید دچاراین بدبینی وافراط گری شدکه سرنخ هرحرکت و تغییروتبدیل سیاسی و اجتماعی راتنها درمیان پنجه امپریالیسم وارتجاع محلی سراغ گرفت. چنین بینشی پربهادادن به خصم وبی اعتقادی ونابباوری به پیروزی وراهگشایی مردم وجنبش است.

شکست دولت نظامی وتظاهرات آبکی و دموکرات مآبانه دولت جدیدو پذیرش تغییراتی - اگرچه سطحی و کم محتوا- درقالب و محتوای رژیم، ثمره همه آن خون های متبرکی است که درسنگرآزادی وطن ریخته شده، و دست آوردناتمام آن توانایی خردمندی است که با متنوع ترین اشکال مبارزه، از امتیازات سیاسی واقتصادی میلیونی گرفته، تا تظاهرات گسترده همگانی باموضعی، برپایی میتینگ های سیاسی درپشت بام ها، فلج کردن ارگان ها وسازمان های دولتی، حمله شبانه و روانی - وگاه حتی نظامی - به ارتش وحساس ترین تکیه گاه هاومواضع رژیم - جنبش انقلابی راپر توان و ارتجاع ضدمردمی رادم به دم مفلوک تر و مستاصل ترمی سازد. ازاین پیروزی تاکتیکی، هر قدرهم که کمرنگ وکم محتواباشد، برای خیزبعدی جنبش، برای عمق و پهنادادن به آن، به ویژه برای جبران و ترمیم نارسایی هاونقاط ضعف آن که درراس همه آنهاکم بنیه گی ومحدودیت سازمان های سیاسی رزمنده (که به مثابه چشم اسفندیار جنبش است) بایدسودجست.

وقت تنگ است و کارفراوان درزمینه ایجاد هماهنگی سازمانی واتحادعمل نیروهای مختلف ملی و دموکرات و فراتراز این همه در زمینه سازماندهی هرچه گسترده ترطبقه کارگرایران به عنوان بزرگ ترین وپیگیرترین طبقه انقلابی ومعتبرترین پشتوانه جنبش درپیش است.

حتی لحظه ای خودرا نفریبیم، مبارزه انقلابی و غرقه درخون ورنج مردم به آغازخودنزدیک تر از فرجام خویش است. آنچه دربرابرانقلاب است بزرگ کردن ومشاطه گری چهره رژیم توسط دولت هایی نظیر دولت بختیارکه باآن به بازارگرسی می پردازدنیست، بلکه نابودکردن رژیم است ودر هم شکستن کامل ماشین دولتی آن.

انقلاب اگرانقلاب باشدبه قول مارکس "نمی تواندماشین دولتی حاضروآماده ای راتصرف نمایدو آن رابرای مقاصدخویش به کاراندازد..."

مرزبندی انقلاب بارفرمیسم، سازش طبقاتی که به چشم های مردم انقلابی خاک می پاشدبا آن تحول بنیادی که نظام کهنه ورژیم فرسوده وزنگ زده را ازبیخ و بن فرومی افکندتاراه نووآینده را بگشایددرابنجاست. انقلاب ماشین دولتی رادرهم می شکند، رفرمیسم به نوسازی آن می پردازد. لنین می گوید: "سیرحوادث انقلاب راوادار به تمرکزتمام نیروی مخرب علیه قدرت دولتی مینماید. انقلاب ناگزیراست وظیفه خودراتخریب ونابودی ماشین دولتی قراردهدونه بهبودی این ماشین."

(دولت وانقلاب)

واگرآقای بختیاربه رنگ آمیزی وتزشین ماشین دولتی برخاسته درست به همین دلیل است که از موضع رفرمیست وسازشکاری که سرش توی آخور امپریالیسم زخم خورده است، عمل می کندتا از خردشدن این ماشین که درواقع شیشه عمرارتجاع سلطنتی ومنافع بی بندوبارامپریالیسم حامی آنست جلوگیری کند.

رفرمیسم ازاین زاویه حتی سازشکاری هم نیست خیانت به آرمان های انقلاب پرخون وتوانی است که بانیروی اسطوره ای میلیون ها رزمنده برای ایجاد تحولات بنیادی درجامعه ماخیزبرداشته است ودراین جهادهزاران داغ بردل وهزاران زخم برسینه دارد. تغییرات رفرمیستی در چهارچوب دولتی نظیربختیار باهمه محدودیت های آن، اگرحتی دوسال پیش که جنبش انقلابی درمیهن ما هنوزبه این حدازاعتلا و شوروجهش نرسیده بودرخ می دادبه هرحال رفرم بود ونه خیانت. امارانده شدن ناگهانی یک اشراف زاده لیبرال درجه دوازحاشیه جنبش ملی و دموکراتیک به صحنه قدرت دولتی دراین دقایق انقلاب شالوده های استبدادواختناق دربارو امپریالیسم غارتگروماهاجم رامتزلزل کرده و در آن رخنه های عمیق انداخته است ازنقطه نظر شخص آقای بختیارچزخیانت وازلحاظ امپریالیسم جزیک عقب نشینی برای حفظ منافع استراتژیک خودتعبیردیگری ندارد.

جنبش انقلابی ایران این همه خون نداده، این همه شکنجه وزندان وتحقیروخفقان راتحمل نکرده، این همه محرومیت نکشیده، اعتصاب نکرده، به تظاهرات میلیونی نیامده، درگورستان های پهن طول وعرض شهدای خودانک وگل وخشم رابه هم نیامیخته تاجای پوتین نظامی ازهاری، کفش واکس زده آقای بختیاررابلیسند.

رژیم کنونی چه باشاه وچه بدون شاه ازنظر مردم ایران مرده است. بایداین جسدگندیده رابه خاک سپرد. هرکس بخواهدجلوی مراسم این کفرودفن ملی رابگیرد، سهمی ازگورزیمی راکه به نوکری آن مفتخرشده خواهدربود.

شکست ماشین دولتی همان سنگی است که باید برگورا ستبدادسلطنتی که در عین حال تجسم عریان حضورغارتگرانه، امپریالیسم درمیهن ماست گذاشته شود. اما این ماشین دولتی چگونه چیزی است؟ لنین میگوید: "ازمهم ترین مختصات ماشین دولتی وجوددوستگاه است: دستگاه اداری وارتش دائمی" (دولت وانقلاب)

جست وجوی هیئت مجلسین ایران، درباره عنوان یک نهادضددموکراتیک و قرون وسطایی ومرکز نقل توطئه های ضدملی وضدخلقی، محاکم نظامی قوانین ستمگرانه وسرکوب کننده ای که برای دوام اختناق به تصویب رسیده وبه صورت دشنه تیز فاسدترین اقشارطبقه حاکمه زیرگلوی مردم فشار می آورد، بوروکراسی اداری حاکم برکشورکه بازتاب روحیه و خصلت دارودسته حاکم است دستگاه اداری حکومت استبدادوابسته به امپریالیسم را تجسم می دهد. اما ارتش داشتی که به مثابه چماق رژیم وتکیه گاه اصلی اوست ابزارکمکی عریض و طویلی نظیرساواک رادردست داردکه چرکین ترین و هولناک ترین دندان رژیم است. این ارتش با این که بدنه آن وتوده اصلی تشکیل دهنده اش از زحمتکشان شهروروستاوفرزندان خلق های ماساخته می شود، به خاطر سلطه امپریالیسم باحدود ۴۰ هزارکارشناس و مستشاروجاسوس ورابزن امریکایی برآن وانطباط کورکورانه وبنده واری که برآن حکم است و فرماندهانی که به فاسدترین وانگلواره ترین جناح ها وافشارطبقات حاکمه (یعنی سرمایه داران بزرگ و زمین داران کلان) تعلق دارند عمیقا ضدملی وضدخلقی، مهاجم وبی رحم و خطرناک است.

هرنوع سازگاری وهماهنگی با یک چنین ماشین دولتی جزحفظ وحراست ریشه وسرچشمه سیاست های ضدملی، کودتاهای امپریالیستی، فسادوتباهی واختناق، معنی دیگری ندارد. دولتی که محصول طبیعی یک حرکت ومبارزه ملی وانقلابی نیست درنظر ناظرانی که ماشین دولتی موجودآن رابه حرکت درمی آوردمتشکل پیچ ومهره ناچیزو سرانجام جز عضوی ازاعضای این بدن گرم خورده وفاسدوتا مغز استخوان متعفن نمی تواندباشدواگراهمیت عیانی وحتی تعیین کننده ایران راازدیدگاه مصالح استراتژیک و منافع جهانی امپریالیسم ودرراس آن امپریالیسم آمریکادرنظرآوریم دشواروطولانی بودن مبارزه ای راکه مردم درپیش داردو انواع تحریک و تخریب ودسائسی راکه بایدازسربگذراند بهترودرمی یابیم.

ایران بزرگترین خریدارسلاح غرب امپریالیستی ازعمده ترین بازارهای آن وپایگاه مدورضد انقلاب و چماق امپریالیسم علیه جنبش های آزادی بخش ملی در خاورمیانه ومنطقه اقیانوس هند است.

اگرایران ازدست امپریالیسم برود، منابع عمده ای درغرب امپریالیستی ونیززاین قلمیشود. پشت جبهه اسرائیل، افریقای جنوبی، رودزیا و رژیم های خودفروخته ای نظیرمصروآردن وعمان خالی می شود. تعادل منطقه به هم می ریزد، تامین نفت موردنیازرژیم های نژاد پرست افریقا واسرائیل صهیونیست دچاراشکال جدی می شود. اگر یک قدرت احتمالی ضدامپریالیستی درایران روی کارآید، قادراست باپستن راه آبی خلیج که ۸۰ درصدمنابع انرژی اروپای غربی وژاپن ازآن عبور می کند، این ممالک رابزای درآوردواقتصاد امریکارادرهم ریزد. خاتمه ازدست دادن ایران از نظرگاه غرب امپریالیستی یعنی بیمتزازاین هاست. آیامی توان تصورکردکه جهانخواران برای حفظ هژدره و هرجز ازاین منافع حیاتی انواع تمهیدونیرنگ وتوطئه هارابه کارنبندندواگرضرورت افتدحتی برسرآن به قمارهای خطرناک دست نزنند؟

به نظرمی آیدکه دولت شاپوربختیاریک تنفس کوتاه مدت هم برای رژیم وهم برای جنبش است. این آزمایش دموکراسی نیم بندوگول زنک درشرایط طوفانی جامعه ماکه تضادهای عمیق وبحران هاق علاج ناپذیرآن رابه مرحله شدیدترین انفجار رسانده است تنها مقدمات قطعی راچندصباحی به تاخیر می اندازد. جنگ بی رحمانه ای که رژیم ورشکسته وضدخلقی به مردم ستمدیده وسلحشور میهن ماتحمیل کرده وباوسیع ترین قتل عام ها ووحشیانه ترین شیوه های سرکوب همه راه ها و امکانات مبارزات مسالمت آمیزرابه بن بست کشانده است، باادامه حیات رژیم شاه حتی اگر لولوی سرخرمن شاه درراس آن نباشد- بازهم با حدت وشدت بیشتری شعله ورخواهدشد. دراین روند ناگزیر روز شیوه های قهرآمیزمبارزه به صورت برجسته ترین وفائق ترین شیوه های راهگشای جنبش انقلابی جلوه می کندومساله اساسی وحیاتی آماده گی برای نبردمسلحانه توده ای دردستورروزصباح ۵ وبرنامه عمل احزاب، سازمان ها، وگروه های سیاسی رزمنده وانقلابی قرارمی گیرد.

درچنین شرایطی است که اتحادهمه نیروهای ملی ودموکراتیک برای فایق آمدن برپراکندگی مطلوب مبارزه و آمادگی برای پیکاردشواروقطعی آینده ضرورت بازهم مبرم تری کسب می کند.

بخش چهارم از برنامه حزب توده ایران

برنامهٔ حکومت ملی و دموکراتیک ایران

۱- اصلاحات سیاسی

الف - تحول در سازمان دولتی

۱- جمهوری ملی و دموکراتیک ایران به جبهه متحد نیروهای ملی و دموکراتیک جامعه یعنی: کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهر (پیشه وران و کسبه)، روشنفکران میهن پرست و مترقی و قشرهای ملی بورژوازی تکیه می کند و بر اساس اتحاد داوطلبانه کلیه خلق های ایران بر مبنای برابری تشکیل می گردد.

۲- سازمان دولتی و حاکمیت ملی در جمهوری ملی و دموکراتیک ایران عبارت است از:

الف - مجلس نمایندگان مردم ایران عالی ترین مقام قدرت دولتی در جمهوری ملی و دموکراتیک ایران است که در آن نمایندگان منتخب کلیه خلق های ایران شرکت می کنند. قانونگذاری، انتخاب هیئت دولت، نظارت بر اعمال دولت و انتخاب رئیس جمهور کشور از وظایف مجلس است.

ب - مقامات حاکمه محلی عبارتند از انجمن های استان، شهرستان، بخش و ده که برای شرکت توده های وسیع مردم در اداره امور کشور انتخاب می گردند.

ج - با بدرنظر تقسیم بندی کنونی کشور بر پایه ملیت سکنه مناطق مختلف کشور و بر اساس اصول دموکراتیک تجدیدنظر به عمل آید و در هر واحد ملی مجلس ملی برای اعمال حق خودمختاری تشکیل شود.

۳- نمایندگان مجلس و کلیه مقامات حاکمه محلی از طرف مردم با رای عمومی، مساوی، مستقیم و مخفی انتخاب می شوند.

۴- حکومت ملی و دموکراتیک استقلال قضایی را بر اساس اصول دموکراتیک و انتخابی بودن قضات تامین خواهد کرد.

۵- میهن ما باید دارای نیروهای مسلح دفاعی و تامینی دموکراتیک باشد. نیروهای مسلح کشور ما باید مجری اراده خلق باشند نه مجری اراده دشمنان وی. بدین منظور باید ارتش و نیروهای تامینی از کلیه عناصر ارتجاعی و عمال امپریالیسم تصفیه و در سازمان آنها تجدید نظر شود. باید افسران، درجه داران و افراد نیروهای مسلح ایران از کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی مانند دیگر هموطنان خود برخوردار شوند و امکان انجام وظایف خود را در ارتش ملی و دموکراتیک به نحو شایانی داشته باشند.

ب - تحکیم حاکمیت ملی

۱- دفاع از تمامیت ارضی، تامین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور.

۲- الغای قراردادهای غیرمتساوی اقتصادی، سیاسی و نظامی علنی و یا سری که به وسیله امپریالیسم و رژیم های ارتجاعی بر کشور ما تحمیل شده.

۳- خاتمه دادن به سلطه، غارت و مداخلات انحصارها و دولت های امپریالیستی در کشور. پایان دادن به سیاست هم پیوندی با امپریالیسم در زمینه های اقتصادی، مالی، سیاسی، نظامی، ایدئولوژیک و غیره.

۴- کوشش برای استقرار روابط دوستانه و همکاری برابر حقوق در کلیه شئون با کلیه کشورهای جهان.

۵- دفاع از صلح جهانی و اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز.

۶- همبستگی با زحمتکشان کلیه کشورها و جنبش های انقلابی، رهایی بخش و مترقی.

۷- استقرار روابط دوستی و همکاری صمیمانه با همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به مثابه ضامن معتبر حفظ استقلال و آزادی میهن ما در قبال تحریکات و تجاوزات امپریالیسم و عمال آن و وسیله نیرومند ترقی مادی و معنوی کشور.

ج - تامین حقوق و آزادی های دموکراتیک

۱- الغای کلیه قوانین، مقررات و منحل کرده سازمان هایی که با حقوق دموکراتیک و حاکمیت خلق منافات دارد. سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) که عمده ترین وسیله سرکوب خلق از طرف ارتجاع و امپریالیسم است، باید منحل گردد و عمال جنایتکار آن مجازات شوند.

۲- تامین آزادی عقیده، دین، بیان، قلم، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، تظاهرات، مسکونت، مسافرت، انتخاب شغل، آزادی دفاع در محاکم و مصونیت های فردی از قبیل مصونیت شخصی و منزل.

۳- تامین حق انتخاب کردن برای کلیه افراد کشور که به سن ۱۸ سال رسیده اند و حق انتخاب شدن برای کلیه افرادی که به سن ۲۵ سال تمام رسیده اند، صرف نظر از جنس، نژاد، مذهب، عقیده، ملیت، سواد، شغل و میزان ثروت در کلیه مقامات انتخابی.

۴- شناسایی حق کامل تشکیل اتحادیه ها برای کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده و دخالت دادن واقعی اتحادیه ها در کلیه امور که مربوط به فعالیت تولیدی، شرایط کار و زندگی زحمتکشان است.

۵- تامین حق اعتصاب برای کلیه زحمتکشان شهر و ده.

۶- تامین تساوی واقعی حقوق زن و مرد در جامعه و خانواده.

د - حل مسئله ملی

حکومت جمهوری ملی و دموکراتیک ایران طرفدار اتحاد خلق های ایران بر بنیاد موافقت داوطلبانه آنها است و معتقد است که برای ایجاد یک اتحاد واقعی و معنوی بین خلق های ایران بر اساس برابری و دوستی باید سم ملی ریشه کن شود. بنابراین این حکومت در مورد حل مسئله ملی اصول زیر را به عمل و در عرض دارد:

الف - تامین حق کامل خلق های ساکن ایران در تعیین سرنوشت خویش.

ب - شناسایی حق اقلیت های ملی ساکن ایران در برخوردار شدن از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی خود.

۲ - تحول اقتصادی

۱- تامین تکامل سالم، سریع و همه جانبه اقتصاد کشور بر پایه سمت گیری به سوی سوسیالیسم.

۲- تمرکز رشته های کلیدی صنعت، بانکداری، بیمه و بازرگانی خارجی در دست دولت. قرار دادن بخش دولتی در خدمت خلق و تامین رشد پیگیر آن در کلیه رشته های اقتصاد.

۳ - ملی کردن موسسات متعلق و وابسته به انحصارها و دولت های امپریالیستی، ملی کردن بانک ها و موسسات بیمه، مصادره اموال خاندان پهلوی و سایر خائنین به خلق و میهن.

۴ - اجرای تمام و کمال قانون ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور، کوتاه کردن دست انحصارهای امپریالیستی از منابع و صنایع نفتی، جلوگیری از بهره برداری نابخردانه از این منابع گرانبها.

۵- به کار بستن اصول برنامه ریزی و رهبری علمی در سازماندهی و اداره رشته های مختلف اقتصاد کشور.

۶- صنعتی کردن کشور، گسترش صنایع سنگین و سبک، استفاده از آخرین دستاوردهای انقلاب علمی و فنی دوران ما بر اساس امکانات و نیازمندی های واقعی جامعه ما.

۷- استفاده بخردانه از ثروت های طبیعی کشور به کار بستن منطقی ترین شکل استفاده از منابع نفت و گاز.

۸ - اجرای اصلاحات ارضی بنیادی از طریق مصادره زمین های متعلق به زمین داران بزرگ و ملی کردن موسسات بزرگ کشاورزی و دامپروری، دایر کردن زمین های بایر و موات و هرگونه زمین قابل کشت به منظور تامین زمین کافی برای دهقانان بی زمین و کم زمین، تضمین مالکیت دهقانی، کمک همه جانبه به ایجاد شرکت های تعاونی تولیدی دهقانی مجهز به تکنیک و شیوه علمی تولید، تامین و تسهیل اعتبارات دولتی برای دهقانان، گسترش شرکت های تعاونی فروش و مصرف به سود دهقانان، گسترش تولید کشاورزی و تنظیم قیمت عادلانه برای محصولات کشاورزی، به کار بردن کلیه وسائل و ابتکارات لازم برای حل مسئله آب، الغای وام ها، اقساط زمین و دیگر تحمیلاتی که توسط مالکان و دولت علیه دهقانان به عمل آمده.

۹ - بسط همه جانبه بازرگانی داخلی و کمک موثر به شرقی آن به منظور توسعه و تحکیم بازار داخلی.

۱۰ - استقرار بازرگانی خارجی بر اساس انحصار دولتی، برابری و سود متقابل و تامین و تحکیم استقلال کشور و رشد اقتصادی آن.

۱۱- تجدیدنظر در توزیع درآمد ملی بر مبنای اصول زیر:

- تنظیم و تعدیل بودجه دولتی با توجه به اصل اولویت های اقتصادی برای تامین استقلال و ترقی کشور و خدمت به صلح، حذف هزینه های نامتناسب و سنگین نظامی و تسلیحاتی و تعدیل هزینه های اداری.

- افزایش سهم انباشت، حذف کلیه مصارف زائد، تخصیص اعتبارات لازم برای رشد سریع و همه جانبه اقتصاد و فرهنگ کشور.

- اصلاح عمیق سیستم مالیاتی به سود زحمتکشان بدی و فکری شهر و ده.

- بالابردن سطح زندگی مردم و به ویژه زحمتکشان از طریق افزایش سهم آنان از درآمد ملی در مصارف اجتماعی و خصوصی.

۳ - اصلاحات اجتماعی

کار، دستمزد، حقوق

۱- تنظیم قانون کار بر بنیاد دموکراتیک.

۲- تامین اشتغال به مثابه حق مسلم افراد کشور و از بین بردن بیکاری و نیمه بیکاری در سراسر کشور.

۳- تامین دستمزد و حقوق متناسب با کار و حوائج ضروری مادی و معنوی زحمتکشان بدی و فکری و خانواده های آنها با توجه به نوسانات هزینه زندگی (اشل متحرک).

۴- برقرار کردن مزد مساوی در قبال کار مساوی قطع نظر از جنسیت و سن و جلوگیری از کار کودکان.

۵- تامین حقوق بازنشستگی برای کلیه زحمتکشان.

۶- پرداخت مددمعاش به کارگران و کارمندان معیل به نسبت افراد خانواده.

۷- تنظیم صحیح کار در ادارات، ترفیع بر اساس آزمودگی، سوابق خدمت و کیفیت کار، تجدید نظر در قوانین استخدامی بر بنیاد دموکراتیک.

۸- تعیین حداکثر ۴۵ ساعت کار در هفته در کلیه رشته های تولیدی و اداری و ۳۵ ساعت در هفته در موسساتی که وضع کار دشوار و یا زیان آور برای تندرستی و بهداشت کارگران است. تعیین یک و یا دو روز تعطیل هفتگی به تناسب سنگینی و وضع کار با استفاده از دستمزد و حقوق.

۹ - تامین دو تا سه هفته مرخصی در سال با استفاده از حقوق برای همه زحمتکشان و ۴ ماه مرخصی با دریافت حقوق برای زنان زحمتکش قبل و بعد از زایمان طبق مقررات معین.

بیمه های اجتماعی و بهداری

۱۰- تصویب و اجرای قوانین مترقی بیمه های اجتماعی به سود کلیه زحمتکشان و خانواده های آنها، تامین خدمت پزشکی مجانی و دارو رایگان برای زحمتکشان.

۱۱- ایجاد شبکه وسیع درمانگاه ها، بیمارستان ها و داروخانه های دولتی مجهز به وسائل مدرن و کارشناسان درهمه نقاط کشور.

۱۲ - ایجاد شبکه وسیعی از آسایشگاه ها، زایشگاه ها، شیرخوارگاه ها.

۱۳- دائر نمودن موسسات مخصوص جهت نگاهداری معلولان و سالخوردگان تنها و بدون خانواده، تاسیس پناهگاه های مخصوص برای جلوگیری از بیماری های بومی و مسری.

فرهنگ

۱۴- رایگان ساختن آموزش و پرورش در کلیه مراحل آن (از ابتدایی تا عالی) در سراسر کشور، اجرای آموزش ابتدایی همگانی و اجباری.

۱۵ - رفع کمبود شدید کودکستان ها، دبستان ها، و دبیرستان ها، ایجاد شبکه وسیع آموزشگاه های حرفه ای، هنرستان ها، دانشکده ها و دانشگاه ها در سراسر کشور، توجه خاص به ترقی مناطقی که از طرف دولت ارتجاعی عقب مانده نگاهداشته شده اند.

تاسیس مراکز ورزش و تفریحات سالم در شهرها و روستاها برای جوانان.

۱۶- پرداخت کمک هزینه از طرف دولت به فرزندان کارگران و کشاورزان و سایر زحمتکشان بدی و فکری کم درآمد در کلیه آموزشگاه های حرفه ای، هنرستان ها و مدارس عالی.

۱۷ - ایجاد سیستم فرهنگی ملی برای خلق ها و اقلیت های ملی و تامین آموزش به زبان مادری در کلیه مراحل تحصیلی، تامین اعتبار و وسائل لازم برای رشد و تکامل فرهنگ ملی خلق های ایران.

۱۸ - ایجاد فرهنگستان علوم ایران و تشکیل شبکه وسیع موسسات پژوهشی علمی، فراهم نمودن شرایط لازم برای کار و رشد آنها و شرایط کار مثمر بخش دانشمندان.

۱۹ - کمک موثر به توسعه و رشد مطبوعات و انتشارات دموکراتیک.

۲۰ - تامین شرایط لازم برای رشد رشته های گوناگون آفرینش هنری، موسسات هنری و علاقمندان هنرمندان.

۲۱- تاسیس کتابخانه ها و قرائت خانه های دولتی عمومی در سراسر کشور و اعم از شهر و ده و تامین استفاده رایگان از آنها.

مسکن و نوسازی

۲۲- احداث و تامین مسکن بهداشتی و راحت و ارزان برای زحمتکشان شهر و ده با کمک دولت و نیز با کمک موسساتی که این زحمتکشان در آنها به کار مشغولند.

۲۳- تقلیل اجاره بهای مسکن، موسسات و دکان ها.

۲۴ - تنظیم و اجرای برنامه نوسازی شهرها و روستاهای ایران به منظور تامین رفاه و زندگی با فرهنگ همگانی.

مبارزه با فساد

۲۵- اتخاذ تدابیر سنجیده و موثر برای ریشه کن کردن یک سلسله معایب و بلایای اجتماعی مانند رشوه خواری، اختلاس، احتکار، ربا خواری، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، فحشاء و انواع دیگر فساد اجتماعی.

سرنگونی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی

خواست مبرم جنبش انقلابی مردم ایران است

هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب توده ایران)

سال چهارم ، شماره ۶۵ ، شنبه ۲۳ دی ۱۳۵۷

ماهیت انقلاب ما و مسأله انحصارطلبی

انقلاب ما که اینک با مستقرشدن توده‌های کارگردرسنگرهای مقدم آن عمق و پی گیری بیشترو محتوای حاطبقه‌ترنی یافته است ، انقلابی است خلقی با مضمون ملی ودموکراتیک . دموکراتیک است چون وسیع ترین طبقات واقشارخلق ازکار گرا رودیگر زحمتکشان گرفته‌تا بورژوازی ملی ، که استبداد سلطنتی (آن هم بابدترین شکلش که دیکتاتوری فردی است) آنها را به خفقان انداخته بود ، در آن فعالانه شرکت دارند . هریک ازاین طبقات واقشار باخواست های دموکراتیک خاص خودبه میدان آمده‌اند. انقلاب ما در ضمن خصلت ملی دارد ، یعنی ضد امپریالیستی است وبرای برداشتن یوغ استبداد سلطنتی از گردن مردم ناگزیراست به ریشه ها وتکیه گاه‌های اقتصادی وسیاسی استبدادکه درهم پیوندی عمیق وهمه جانبه با امپریالیسم است ، ضربه‌های قطعی وسرنوشت سازبزند . استبدادمطلقه‌درست به دلیل بی پایگاهی اش درجامعه ما ، به دلیل نزوای سیاسی ونقش انگلی اقتصادی‌اش ، به دلیل این که اقتصادملی را به صورت زائده‌ای ازاقتصاد امپریالیستی درآورده ، باهمه وجودش به دامن امپریالیسم افتاده است . ازطرف دیگرتابع شدن اقتصادملی به مصالح وسیاست های اقتصاد امپریالیستی باعث پژمردگی وخفقان نیروهای مولده جامعه ماشده است . اینکه‌این خفقان اقتصادی درروبنای جامعه ، خفقان سیاسی راایجاب می کند . ازاین رو جداکردن استبداد از امپریالیسم ، جداکردن مبارزه درراه دموکراسی ازمبارزه ملی درراه قطع غارت وحضوراامپریالیستی درهمه اشکال اقتصادی ، سیاسی و نظامی آن ، در نهایت نشناختن وظایف انقلاب ماوعامیانه‌دیدن آنست . این اشتباه مهلکی است که پاره‌ای از مبارزان از درون سنگربورژوازی ملی وخرده بورژوازی به آن مبتلاهستند .

انقلاب ایران درعین حال یک انقلاب خلقی است لنین ویژگی های انقلابات خلقی رابادقت همه جانبه‌ای این طورتوصیف می کند :

"توده‌های خلق ، اکثریت عظیم آن، یعنی ژرف‌ترین " قشرهای پائینی" جامعه که پشتشان درزیرستم واستثماردوتاشده، مستقلا برآمدمی کنندودرتمام جریان انقلاب مُهروِنشان خواست های خودوتلاش های خودراکه هدفش بنای جامعه نوینی به سبک خویش ، به جای جامعه منهدم شونده‌است ، باقی می گذارند."

(دولت و انقلاب)

درست به دلیل خلقی بودن انقلاب ماست که هر گونه انحصارطلبی درآن ، هرگونه کوشش عمدی و مکانیکی دراین زمینه که شعارهای واحدومتحدی که ترجمان خواست ، اراده وآرزوی گروه ، قشر ، یا طبقه معینی است به کل آن تحمیل شود ، برخلاف انتظارساده لوحان ، آن راتضعیف می کند . این پیام لنین که " طبقات گوناگون مردم نسبت به مبارزه‌برای آزادی روش های مختلفی دارندوهدف مباعی آنان آزادی های گوناگونی است " گویی تحلیل دقیق آن واقعیت میهن ماست که کارگران قهرمان صنایع نفت بااقدام وسخن خوددردوهفته گذشته آن راتصریح کرده اند . کارگران صنعت نفت باتاکیدمشخص روی این‌مساله که " رهبران جنبش باید چنان شرایطی رافراهم آورندکه شعار های ویژه کارگران در تظاهرات وراه پیمایی ها وتمایشات رزمی باسی مهری کناررزده نشود ، موجودیت مستقل طبقه خودرا باخواست ها وآرمان های ویژه خوددرجنبش انقلابی مردم میهن ماباد آوردشدند . اگربه تصریح رهبران مذهبی " گلوی استبداددردست کارگران نفت است" اگرحضورنزدیک به دومیلیون کارگراعتصابی درکانون مبارزه انقلابی مردم به انقلاب آن توانایی راداده‌است تاسدهای ارتجاع وامپریالیسم رایکی پس ازدیگری درهم بشکندوطومارزرژیم رادرهم بپیچدوآن راعملا فلج نماید ، چگونه می توان باتظاهربه تمایلات وهدف ها وآرزوهای کارگری ، بااقدامات مستبدانه‌ای نظیر پاره کردن اعلامیه های چپی و کارگری ، پائین کشیدن شعارهای ویژه‌ٔ این طبقه وسازمان ها وحزب سیاسی آن درتمایشات خیابانی ، تحمیل شعارهای خاص به مجموع جنبش که کارگران مهمترین اندام های آن هستند ، مقابله کردودر عمل وجودابر طبقه رادرانقلاب انکارنمود؟ طبقه کارگرایران امروزحتی ازبطرعددی هم بزرگترین نیروی طبقاتی جامعه ماست . آنهاکه درگردار و سیاست های خودبخواهنداین نیروی عظیم انقلابی را ـ که بدون آن انقلاب به چنین سقط شده‌ای بدل خواهدشد ـ به یک دسیاله روی کوروکورلال ، یک سیاهی لشگردرزیرعلم وکتل قشرهاوطبقات دیگر

دنباله در صفحه ۲

بسوی یک کودتای خونین می رویم ؟

"...شرط مقدماتی هرانقلاب خلقی واقعی اینهاست :
ماشین بوروکراتیک ونظامی ازدستی به دست دیگرداده نشود ، بلکه درهم شکسته شود...

(مارکس ،نامه به کوتلمان)

وهرکس به هربهانه‌وباهرپوشش وعنوان بخواهدازخردشدن ماشین دولتی زنگ زده ،درمیان پنجه‌های توانای انقلاب ایران جلوگیری کند ، یا درراه این وظیفه‌سنگ بیندازد ، یاحتی این‌وظیفه نحوی مخدوش جلوه دهد ، تنهاشایسته‌یک نام است : ضدانقلابی... وضدانقلابی امروزفقط یک معنی‌دارد: ضد مردم ...

شاپوربختیاریکی ازاین طرّاران ضدانقلابی است .

نخست وزیری که می خواهدازگذشته ـ که‌خود سرشارازعلامت های ابهام وسوال است ـ شنل "وجاهت ملی" بیافدوبردوش بیندازد ، برآنست که شاه را فراریدهد ،تارژیم اوراحفظ کند ، ماشین دولتی استبداد راتعمیرونوسازی کند ، تاازدرهم‌نکسته شدن آن پیش بگیرد ، دربرابر انقلاب تعظیم کند و مجیز آن رابگوید ، تاازپشت به آن خنجربزند ، در انقلابی ترین‌وزلزله‌خیزترین شرایط اجتماعی که توده های میلیونی باشهامت افسانه‌ای‌وآگاهی سیاسی برنیرویی قیام کرده اند ، بااطلاعات نیم بند ـ که آمیخته باانواع زدوبندهای پشت پرده است ـ برآتش انقلاب آب بپاشد . اودرهمان حال که روبه مردم می گوید : " فقط دوماه به‌من مهلت بدهید" خطابش به امپریالیسم وحامیان و شرکاء رژیم دردستگاه های اداری ونظامی است که " دوماه فرصت می خواهم تااین مردم انقلابی‌راکه به چیزی کمترازیک نظام‌ملی ودموکراتیک قانع نیستند ، رام وآرام کنم" . اماهمین مردم ساده که آگاهی شان ، قوت آنهاست ، باپوزخندباوری می پرسند : بدون وازگون کردن وانهدام این ماشین دولتی که استبدادملی برای حفظ و حراست خود ایجادکرده است ، رسیدن به آرمانهای ملی ودموکراتیک چگونه ممکن‌است ؟

لنین می گوید :مهمترین مختصات ماشین‌دولتی وجوددودستگاه است : دستگاه‌اداری وارتش دائمی. نخست وزیرمدعی‌آزادسازی وآزادیخواهی باحفظ مجلسین رستاخیزی ، دربالادرزیر چتر شورای سلطنت" ، سازمان قضایی وکوشش دربرابر قوانین ضدمردمی که دست پخت آشوبانی های دربارنشین و سیستم بوروکراسی عصراستبدادوابسته‌به‌امپریالیسم نشان دادکه باکمی رنگ ولعاب بخش‌اداری ، ماشین دولتی گندیده وکرم خورده گذشته را ، زیر بال حمایت وتائید خودگرفته است .

اما درموردستگاه نظامی رژیم ...

بااوکاسماً منحلی‌شودتادرعمل حفظ شود .تقسیم وظایف وامکانات این سازمان جهنمی وشرورکه‌ریشه هایش در"سیا" (سازمان جاسوسی امریکا) ودستش دردست "موساد" (سازمان جاسوسی وصهیونیستی اسرائیل) وسرش درآخوراستبدادسلطنتی وفاسد ترین قشرهای طبقه حاکمه است ، درمیان سازمان های دیگروخودداری ازتعقیب ومحاکمه هزاران دژخیم و مسئول وعامل جنایتکارآن که سال های سال دراین سازمان گانگستری بااختیارات نامحدودهولناک ترین جنایات ضدانسانی رامرتکب شده اند ، وحفظ صدهاهزارپرونده ومدارک به اصطلاح جرم که باا‌عتراف رسوترنکنجه‌های وحشیانه و اقسام دسیسه چینی علیه مبارزترین و شریف ترین فرزندان این سرزمین فراهم آمده ، اثبات این واقعیت است که ساواک به خاطر رسوایی اش تغییر نام‌ک داده ومتناسب باشرایط ومقتضیات جدید تجدیدسازمان می کند .

درارتش ونیروهای نظامی نزدیک ترین ووفادار ترین توجه های شاه درراس‌قدرت قرارگرفته اند . شغل وزارت جنگ توسط دژخیم شناخته شده‌ای نظیر ارتشبد شفقت ، ژنرال آجودا ن مخصوص شاه که دستش تاآرنج به خون مردم دلاورآذربایجان آلوده است ، ریاست نیروی زمینی توسط غلامواره‌ٔ معروف شاه‌سپهبد بدره‌ای ، فرمانده سابق گاردجاویدان، نیروی هوایی به وسیله‌سپهبدرسمی که درتندروی وفساوت درارتش ضرب المثل است ، ریاست ستاد ارتش توسط یک حال دربازارتشد قره باغی ، فرمانده هوانیروزتوسط آدمکش معلوم الحالی بطیر خمرودادوغیره وغیره ، به وضوح نشان می دهدکه ارتش به طوردرست به مطمئن ترین مهره های رژیم شاه سپرده‌شده است . ارتشی که‌مواضع کلیدی آن همواره درسالیان سلطنت شاه بایکی دردست مستشاران وکارشناسان امریکایی بوده وباتربیت وروحیه امریکائی ساآمده ،نه تنهابرای مردم ، حتی برای نخسا روحیتیارها ـ آنجاکه احیانا کمترین عصیانی علیه مصالح امپریالیسم جهانی و ارتجاع درنده وهاراخلی ازآنهادیده شود ،تا چه اندازه قابل اطمینان است ؟

شاه چه باشد ، چه نباشد ، ماشین دولتی‌ساخته و پرداخته وشوم نظم ضدملی وضددموکراتیک اوبر جاست ، گیرم که این ماشین به اشاره امپریالیسم موقتا حرکت‌خودرا متوقف یا تعدیل کند . این واقعیت عیان به درستی مرکزهمه نگرانی‌ها وپیچ پچه‌ها وگمان زنی ها درباره کودتای احتمالی آینده است ، کودتایی که اگرچه باتوجه‌به‌گستردگی بی سابقه وعمق جنبش انقلابی شانس چندانی برای پیروزی کامل ندارد ، بااین حال می‌تواندتابعات وزخم های تازه‌ای برای مردم به ارمغان آورد .

اگر" مارکس "مدلل می‌گردد‌که " انهدام‌ماشین دولتی آن ضرورتی است‌که منافع کارگران و دهقانان ایجاب می کندوآنها رابایکدیگرمتحد می سازدودرمقابل آنها وظیفه مشترکی قرارمیدهد که عبارتست ازبرانداختن " انگل" وتعویض‌آن با یک چیز تازه " درمملکت ماشمره مقدماتی تروممرم‌تر خردکردن ماشین دولتی به معنای ازمیان‌برداشتن خطر یورش های ناگهانی ارتجاع وکودتاهای جور وجورضدملی وطراحی انواع توطئه‌ها وشعبده گری های سیاسی ونظامی است . تاوقتی محتوای رژیم دیکتاتوری عمدتادست نخورده باقی مانده ، هیچ چیز به طورماسایی تغییر نکرده است ، گیرم که به جای هویداها وآموزگارها ، بخشیارهاظاهرشوندو درعوض‌دعاوی آزادسازی ودموکراتیزه‌کردن‌جامعه توسط شریف امامی ها ، ادعاهای مشابه دیگری با قسم وآیه‌های سوزناک به گوش رسد .لنین درحجم بست تجربیات گرانبهاانقلاب ۱۹۰۵روسیه ، قانون عام همه انقلاب هارادربرابرما می گشاید :

" لطمه واردساختن ومحدودکردن دایره حکومت استبدادی کافی نیست ، باید آن رانابودکرد . مادام که حکومت تزاری (بگوشاه) نابودنشده ،گذشت های تزار (شاه) همواره ناپایدار خواهدبود . هرگاه‌فشارانقلاب شدت یافت تزار (شاه) گذشت کرده است ووقتی این فشارضعیف‌شده ، تمام گذشت‌ها راپس‌گرفته است . فقط به کف‌آوردن جمهوری دموکراتیک ، وازگون کردن حکومت تزاری وانتقال قدرت‌به دست مردم می تواندکشوررااززیربار زور فعال مایشانی عمال‌دولت ، از جنگ باندهای سیاه و... برهاند."

(مقاله‌درسهای انقلاب)

این مساله مهم برای آن نیروهاوسازمان هاوعناصرمخالف‌رژیم نیرکه تنهااستعفای شاه یا ازاین بیشتر ، برچیده شدن بساط سلطنت را ـ بدون تاکید برروی محتوای منفی و روشن شکل‌حکومتی که باید جایگزین آن شود ـ به مثابه پیروزی انقلاب تلقی می کنند ، به شدت قابل طرح است . ما مارکسیست ها برآنیم که استقلال نسبی صورت ومحتوا (شکل حکومت یامحتوای حکومت) بیانگراین اصل است که محتوامی تواندتحت اشکال مختلف‌نمایان گردد . محتوای رژیم شاه ـ باکم ونبشی که براثر مقتضیات ممکن است‌درآن رخ دهد ـ می تواند فی المثل حتی درشکل جمهوری نیز متظاهرشود (نوعی ارکودتای نظامی امپریالیستی‌که بساط سلطنت رابرچیدامامحتوی مدخلقی ، ضددموکراتیک وضدملی رژیم رادرشکل جدیدو ظاهرفریب جمهوری حفظ کند) . ازاین دیدگاه‌است که درچشم انداز جنبش برخروش انقلابی خلق‌های میهن ما ، درصورت تعمیق آن ، علاوه بریک‌کودتای درنده شبه فاشیستی به شیوه " شیلی"،کودتای امپریالیستی وضدملی باچهره طلایی ترورپرنقاب ملی گروه‌مذهب گرایی نیزمحتمل است . چه بااین توطئه‌های ضدانقلابی وضدمردمی بابرچیدن بساط سلطنت و تغییرات دامنه‌دار ، اماظاهری ، درشکل هاوشیوه های حکومت کنونی وبا عوامفریبی های حساب شده‌و تمایشات اغواکننده ظهورکند . انقلاب ایران برای روبروشدن باچنین دسیسه هایی ـ که هراسازمان و گروه وحزب واقعاانقلابی ورزمنده نمی‌تواند و نباید احتمال وقوع آن را ازنظردوردارد ـ باید ازپیش تدارک لازم راندیده باشد . تجربه مبارزات انقلابی میهن ماودیگرملل جهان گویای این امر است‌که هرجاامپریالیسم از پنجره نیروراباخته شده ، سعی کرده اردربالباس دیگری واردشود و وقتی‌سایت یاری وصحنه ساری وتاکتیک های مرسوم نتوانسته برجنبش مردم چیره شود،کوشیده است آن رادرخون ومرگ غرق کند . بایدآگاه ومهیا باشیم . جنبش انقلابی میهن مادرصورت مواجهه باهرشیخون ودستبردخونین وقصدسرکوب گرده می‌تواندباهمه وزن سنگین وبال های گسترده اش ، "تانیرویی خودبه خودومقاومت ناپذیرباپره محدود

دنباله در صفحه ۲

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد (لنین)

اعلامیهٔ نظامیان پیشرو

وخواستار آزادی ومساوات

اعلامیه‌ای که درزیر می‌آید ازسوی گروه نظامیان پیشرو ودموکرات که خواستار آزادی ومساوات هستند برپهنهٔ رزمندهٔ خودبا خلق های قهرمان ایران تاکیدمی ورزندوخواهان برقراری حکومت ملی ودموکراتیک می باشند، به دست ما رسیده که نظریه اهمیت، متن کامل آن راچاپ می کنیم. (نوید)

اعلام می داریم به کلیه مراجع بین المللی مدافع حقوق بشر، به کلیه سازمان های مترقی و پیشرو به کلیه کسانی که حقشان پایمال می شود، به کلیه سرباران، درجه داران وافسران واقعی ایرانی که هرگزنتوانسته اندحقشان رابگیرند و همیشه مجبوربه سکوت بوده اندبه آنهاکه در فرمانداری های نظامی ومراکزساواک وپلیس مخفی وسیا به آزارواذیت و تفتیش وبازجویی و به اطلاع خودشان "پذیرایی" ازمیهن پرستان و آزادیخواهان وزحمتکشان وهمه خلق های مسلمان ایران مشغول هستندوکلیه عمال اجنبی که باید همگی منتظرعواقب وخیم وخطرناک اعمال خود باشند.

ما نظامیان پیشرو وظیفه مبرم خودمیدانیم که ازنظر روشنگری نکات زیررابرای هم میهنان خودو جهانیان اعلام داریم:

۱ـ درشهرهای ایران ستادفرمانداری نظامی مبدل به کمیته های ساواک، شهربانی، ارتش و سپاگشته ودستگیرشدگان رابدون بازجویی وبدون این که مرتکب هیچ جرمی شده باشندزیرمشت ولگد وباتوم و انواع تجاوزات قرارداده وسپس به زندان ها منتقل می کنند.

۲ـ درهرستادفرمانداری نظامی یک رئیس ستاد که ارتشی است بانماینده‌ای ازساواک وشهربانی و ژاندارمری وسیا وتعدادی کارمندوشکنجه‌گرکه اکثرا به صورت داوطلب انتخاب شده اندبا کلیه وسائل ارتباطی، همه حرکات خلق های ستمدیده ایران را زیر نظر دارندوباتلفن مرتبا ازخانه، خاش ونخت وزیران متعددبریزه‌خوارودیگرخائنین ومیهن‌فروشان وارباب ان امریکایی شان دستورمی گیرندکه چگونه درسرکوب جنبش مردم ونظاهرات عمل کنند.

ولی ماکه به ظاهردرصف دشمنان خلق قرار داریم ازآن خلق ومدافع میهن عزیزمان ایران که ملت ایران ازآن جدانیست، هستیم نه حافظ رژیم منحط وپوسیده وتوخالی وفاسد پهلوی ونه مدافع منافع امپریالیست های بیگانه وجیره خواران داخلی آنها. ماتا پیروزی خلق های ستمکش ومسلمان ایران ماهیت خودرابروزنداده ولی به طورزیر زمینی نقشه های رژیم رانقش برآب خواهیم کرد و بازاعلام می کنیم که:

۱ـ ماازفعالیت درارتش ننگ نداریم بلکه افتخارمی کنیم که به این آخرین دژاستعمار و مدافع شاه، خائن وارباباتش رسوخ کرده ایم. ما خودرا وارث واقعی کلنل محمدتقی خان پسیان، سرهنگ سیامک، سرهنگ میثری، سرهنگ فاضی، سرهنگ پولادین، سرگردوکیلی، سروان خسروروزبه و... می دانیم وازامثال رضاخان قلدر، زاهدی، تیمسری، ازهاری، اویسی و... که ارتش میهن پرست ایران رابه ننگ آلوده اندظهارتنفر می نمائیم. ماتاآخرین قطرهٔ خون خودرادر راه مردم محروم وستمدیده ایران نثار می کنیم‌نه درراه حامیان وجیره خواران استعمار.

۲ـ تشخیص عناصر میهن پرست ومدافع خواست های خلق ازعناصرخودفروخته وبااناآگاه وفریب خورده باکمک دوستان خوددرمیان سربازان، درجه داران وافسران میسراست چراکه عناصرفریب خورده اکثرادارای شخصیت منفی و عقایدکاملاکوته‌نظرانه وارتجاعی بوده‌وبافرماندهان عالی روابط خوبی دارند. ماخواستارتشکیل گروه‌های آگاه وافشاگر که به تمام مسائل آگاه بوده وسطح دانش خود را بامطالعه روزافزون بالا ببرندهستیم وخواستار دوری هرچه بیشترعناصر ارتجاعی وطردآنها.

۳ـ ماازتمام عناصر آگاه ومخصوصاکادرهای شایسته ارتش خواستاریم که بی گدارابه آب نزنند و سرآگاهی سیاسی خودافزوده وازخرده کاری‌بپرهیزند ودرمیان خودسازمان های آهنین و غیرقابل نفوذ به وجودآورده وبه آخرین دژهاوسنگرهای رژیم رسوخ نموده واهرم های قدرت رادردست خودبگیرند.

۴ـ ماوظیفه خودمی دانیم درهرکجاکه باشیم به میهن پرستان ودوستداران خلق، خواهران و برادران مسلمان خودکه دستگیرشده اندواتهام آن حاق گویی ودرست اندیشی است کمک نمائیم‌ودر خلاصی آنان بکوشیم.

۵ـ ماتوده مردم راکه استثمارمی شوندواکنون ناله هایشان به نعره مبدل شده به مثابهٔ پیشرو ترین ومرحق ترین نیروی دانیم وتاپیروزی کامل خلق‌های ایران به فعالیت شوری وعملی خود ادامه می دهیم

۶ـ مادرس تلخی ازاردوگاه‌های مرگ آشویتس، بوخوالدکه توسط نازی هاوکن سن وکن راشوو... که توسط امپریالیست های خونخوارآمریکایی درکشور قهرمان ویتنام واوین وقصروعادل آبادو... که توسط شاه، ساواک، سیاواکنون توسط ستاد حکومت و فرمانداری های نظامی برپاشده‌آموخته ایم وهمدردی خودرابا بازماندگان زندانهائی که دراین شکنجه گاه‌ها جان خودرا ازدست داده اند اعلام کرده واجازه نخواهیم دادکه‌مردم‌آزادیخواه ما سیرشده وبازنان ودختران وکودکان خلق‌ها مثل ویتنام، شیلی ونیکاراگوئه رفتارشود.

۷ـ ما این رامی دانیم که ماشین جنگی صهیونیست هابرعلیه خلق‌های مسلمان عرب وماشین جنگی نژادپرستان آفریقا برعلیه اکثریت سیاه پوستان ونیزمردم نامیبیا بانفت ماکه‌خائنانه توسط شاه به غارت‌داده می شود، به گردش در می آید. افتخارپرکارگران مبارزصنعت نفت که با اعتصابات وکم کاری های خودگذشته ازشرکت درجنبش مردم، راه رهایی دیگرخلق هارانیزهموارمی کنند.

۸ـ مابه یاران وفاداروآگاه وپیشرومیهن پرست که ازمیان‌توده مردم برخاسته انددست همکاری می دهیم وخواهان شوراهایی انتخابی از سربازان ودرجه داران وافسران پیشروهستیم که بر کارواعمال آمراوفرماندهان نظارت‌نموده ودست های آنان رازنبست المال کوتاه وتصمیم گیری های آنهاراکه مبتنی برخواسته مردم ستمدیده‌ایران نیست افشاء نموده وازاجرای فرامین ودستورات خدخلقی وامریکایی وشاه ـ ساواکی جلوگیری کنیم. ما انحلال خداطلاعات راکه همکاری مستقیم باساواک داردخواهانیم.

۹ـ کوشش خواهیم کرداز تلفیق کارعلنی باکار مخفی جهت روشن کردن افکارهمکاران وکشف وخنثی نمودن توطئه‌های رژیم وگزارش‌آن به خلق ونیرو های مترقی، حداکثر استفاده رابریم.

۱۰ـ ما اسلحه‌رابرزمین‌نخواهیم گذاشت بلکه در موقع لازم وبه طورمؤثر برعلیه مرتجعین وحامیان آنهابه کارخواهیم بردوتوانایی این رادارایم که ازمدرنترین سلاحها درمواقع حساس وضروری برعلیه عوامل سفاک استعمارا ستفاده نمائیم اما این عمل مستلزم آنست که توازن نیروهای انقلاب کاملابه نفع خلق های مسلمان ایران ونیروهای پیشروتمام شود.

۱۱ـ ما اطمینان کامل به عدم درک امرارتش ودیگرسودمداران رژیم ازرویدادها ووضعیت فعلی نیروهای مترقی وجهت گیری آنهادارایم وبه کلیه مبارزین ودوستداران خلق ضعف کامل آنهارا در بررسی امورو‌تصمیم گیری شادیاش می گوئیم، علت تعویق وبرکناری آنان در وضعیت فعلی نیزناشی از همین سردرگمی مقامات بالادربرابرنیروهای مترقی وپیشرومی باشد.

تابودبادرژیم پوسیده‌شاهنشاهی
برقراربادیهپوندبین عناصرآگاه وآزادیخواه‌ومیهن پرست ارتش باخلق های ستمدیده‌ایران
مرگ برعناصرمیهن فروش وخائنگه ارتش‌ایران را دربست دراختیارامپریالیست های امریکایی گذاشته اند
ماپیروزمی شویم، چون درراه‌آزادی وعدالت و خواست های مترقی مردم مبارزه می کنیم
زنده وبرقراربادحکومت ملی ودموکراتیک ایران
نظامیان پیشرووخواستارآزادی ومساوات

در زیراعلامیه قطعه‌شعرزیرکه سروده‌ٔ افسر شهیدنموده‌ای "سرگردجعفر وکیلی" است ،به‌چاپ رسیده است:

اگر...

اگر ای‌مردک نامردبه‌شلاق سکوت
بخشی‌پیرایه من قصه‌ٔ گویای امید
اگرای‌شاه همه‌روسپیان‌پاره‌کنی
دفترشعرمراتانندمصبح‌سپید
ما زیرسینه‌ٔ دیوارنوبستندبه‌راه:
"مرگ براین عامل رسوای تباه"

اگرای شاه بیاوبزیم ازجویه‌ٔ دار
یاتبازی به‌سرم‌همچودی آدمخوار
یاکنی طعمه‌ٔ سرنیزه‌تنم‌راصدبار
یاکه چون شمع بسوزانیم‌اندرشب تار
باز خاکسترمن خنده‌زند در رمه‌اد:
"که‌براین‌شاه‌فرومایه‌ٔ دون‌نفرت باد"

اگرای‌شاه من وهمسرزیبای مرا
درسحرهدیه‌کنی‌چندگلا زسرب مذاب
یابگویی‌به‌مساسب سروسینه‌ٔ ما
بازخون من واومست‌شوی جای شراب
صبح فردا‌بهرم‌بازبخواندبه‌سرود:
"که‌به‌هوشیاری حزب پدرم‌باد درود"

بسوی یک کودتای خونین می رویم؟

مبارزات نظاهراتی و اعتصابی رابخکندوبه اشکال عالی ترمبارزه دست یابد". فشارشرایط عینی مبارزه راباازهم به پیش سوق می دهد. به قول لنین "جنبش ارتجاع راوادارمی کندکه مقاومت خود رابه آخرین حدبرساندوبدین وسیله لحظه‌ای راکه انقلاب نیز دربه کاربردن وسایل تعرضی‌به آخرین حدخواهدرسید، بی اندازه نزدیک می نماید".

احزاب و سازمان های سیاسی رزمنده، به‌ویژه پیشاهنگان طبقه کارگر، اگرنخواهندصرفادنباله‌رو حوادث باشند، اگرنخواهندتوسط حوادث غافلگیر شوند، نه تنها بادرک مضمون حرکت های انقلابی جنبش، با محاسبه تعادل نیروها، باکندوکاودر مسائل عینی جامعه، بلکه درعین حال باشناخت و درک نیروهای ضربت‌دیده ارتجاع که علی رغم جراحات بسیاری که برآن واردشده، همچنان سرپا ایستاده وازسرنومیدی دیوانه تروخطرناک‌تر شده است، باتوجه به عکس العمل طبیعی امپریالیسم و ایادی داخلی آن، بایدوسائل وابزاروامکانات مقابله انقلابی باقهرضدانقلابی راازطریق تدارک هرچه سریع‌تر، قاطع تروهمه جانبه ترتامین‌کنند. جنبش انقلابی، وهمه گردان ها وعوامل آن، ناگزیر است درمیان انواع احتمالات، به پررنگ شدن،دمبه دم قوی ترومطرح ترشدن مبارزه مسلحانه توده‌ای‌در کنار دیگرشیوه های مبارزات انقلابی که‌مهم ترین آن نیزدراعتصابی گسترده ویکپارچه است توجه عملی وجدی مبذول دارد. این تدارک قاطع وفوری باید با مجاهدت همه جانبه وپیگیردرراه اتحادعمل هرچه گسترده ترنماهای ملی ودموکرات ملازم گردد. چنین اتحادی چنردفاعی نیرومندی بر برجنبش می‌گشدوخودفی نفسه امکانات شبیخون وبورش افسارگسیخته راتاحدی تعدیل می نمایدودرصورت وقوع جنون ارتجاع وتهاجم غافلگیرانه آن ـ به هر شکلی ـ می توان مقاومت ومقابله انقلابی مؤثرتاآنرا کیفیتاً بالامی برد.

ماهیت انقلاب ما ومساله انحصارطلبی

در آورند، "آیاهیچ فکرکرده اندکه "دامنه انقلاب" به کدام یک ازنیروهای واقعاً موجود اجتماعی وابسته است؟ "آنهازیر چترو‌حدت طلبی وحفظ یکپارچگی جنبش، جنبش راکه به مناسبت طبیعت‌توده ای اش، همه اقشارو‌طبقات ملی و دموکرات درآن سهمی دارند، زیربال یک قشر یاطبقه خاص می برندوشعارهای ویژه این اقشار وطبقات رابه عنوان تیلورآرمان مشترک کلیه جناح هاونیروهای جنبش جامی زنند. اماوقتی با عمل مشابهی از طرف دیگرنیروهاوجناح های اجتماعی وطبقاتی روبرو شدند، آن رابابرچسب تجزیه طلبی، تفرقه افکنی، خصومت وغیانت به وحدت دورنی جنبش، محکوم می کنند. دربحبوحهٔ طغیان های بزرگ اجتماعی وجزرومدهای انقلابی هرگونه تحول ازطریق آگاهی طبقاتی، اراده‌و اشتیاق توده های میلیونی که زیرمهمیزبحرانی ترین مبارزه طبقاتی بیدارمی شودوفوراًنمی‌کند، صورت می پذیرد. پیشاهنگان سیاسی اگراین تنوع آرمان ها وخواست ها وتمایلات متفاوت طبقاتی، قشری، یاگروهی رادر نظرنگیرندوبانتوانند بپینند، درراه مرگ سیاسی خودگام نهاده اند. رهبری جنبش و تعیین آماج هاآن ازطریق ندیده گرفتن تمایلات وحضورعناصر دیگری که احتمالا با این گرایشات همسازنیستندتامین نمی شود- گرچه این نوع حرکات به خودی خودجنبش‌را تضعیف وضربه پذیر می کند. لنین کمپیراتحادعملو"اراده واحد" رادرانقلاب های دموکراتیک درست ازنقطه مقابل سلطه جویی وانحصارطلبی مکانیکی جست وجو می کند. لنین در اعتراض به کسانی که معتقدند غرده بو رزوازی نمی تواندبا پرولتاریا "اراده واحد" داشته باشدمی گوید:

"این ادعابی پایه‌است ،زیرابنای آن برتفسیر مجردومتافیزیکی مفهوم "اراده واحد" گذاشته شده است. اراده ممکن است، درموردی واحدباشدو درموردیگر نباشد. فقدان وحدت درمسایل‌سوسیالیسم ودرمبارزه برای سوسیالیسم، مانع وحدت‌اراده درمسایل دموکراتیسم و در راه مبارزه برای جمهوری نمی گردد. فراموش‌کردن این موضوع به معنای فراموش‌کردن فرق منطقی‌وتاریخی میان انقلاب دموکراتیک وسوسیالیستی است. فراموش‌کردن این موضوع یعنی فراموش نمودن جنبه همگانی انقلاب دموکراتیک است، زیرا: وقتی این‌انقلاب "همگانی" بود، دراین صورت درهمان حدودی که این انقلاب حوائج و نقاضاهای همگانی را برآورده می نماید، درهمان حدودهم درآن وحدت اراده وجوددارد."

(دوتاکتیک سوسیال دموکراسی...)

سرنگونی استبداد سلطنتی، استقرارجمهوری وتشکیل دولت ائتلاف ملی

خواست مبرم جنبش انقلابی مردم ایران است

هفته نامه

نوید

(فوق العاده) (وابسته به حزب تودهٔ ایران) سال چهارم . شماره ۶۶ . ۲ شنبه ۲۷ دی ۱۳۵۷

پیش بسوی تدارک همه جانبهٔ مبارزهٔ مسلحانهٔ خلق

اعلامیهٔ کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران

باتشدید مبارزهٔ رهایی بخش ملی

باایجاد جبههٔ متحد آزادی ملی ایران

باتدارک همه جانبهٔ مبارزهٔ مسلحانه

حملات امپریالیسم ورژیم ضدملی وضددموکراتیک شاه رادرهم شکنیم

دراین حساسترین و غرورآفرین ترین لحظات سراسر تاریخ میهن عزیزمان ایران ، که خلق های قهرمان آن با اراده‌ای تزلزل ناپذیربرای سرنگون کردن نظام منفوروخائن سلطنتی وریشه‌کن ساختن تسلط غارتگرانهٔ امپریالیست ها ، درسراسرکشور به‌میدان های نبردگام گذارده اند ، حزب تودهٔ ایران ، حزب طبقهٔ کارگرایران ، با احساس سنگین ترین مسئولیت تاریخی ، همهٔ هم میهنان عزیز ، همهٔ مبارزان جنبش رهایی‌بخش ملی ایران ، همهٔ رهبران مبارزومیهن‌پرست روحانی ، همهٔ رجال ملی ودموکرات ، همهٔ احزاب وسازمان ها و گروه های سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی وصنفی را ، که خواستارآزادی وپیشرفت اجتماعی وآمادهٔ دفاع جانبازانه‌ازاستقلال ملی وتمامیت ارضی‌میهن عزیزمان ایران هستند ، فرامی خواندکه همهٔ امکانات خودرادرراه بخشیدن ازاتحادهمگانی نیروهای ضدرژیم وضدامپریالیست ، درراه تجهیز همه جانبهٔ این نیروهابرای آخرین مرحلهٔ نبرد تعیین کننده‌و پرافتخاری که درجریان است ، به کاراندازند .

حوادث ماه‌های گذشته وبه ویژه هفته‌های اخیرکه درجریان نبردهای خونین تن به تن مردم بی سلاح باجنایتکاران تانک سوارومسلسل به دست رژیم در مشهددراولین روزهای دی ماه ۱۳۵۷ به عالی ترین شکل خودبار گردیدبه روشنی نشان دادکه خلق های میهن مادیترحاضرنیستنداین رژیم غاصب را ، که امپریالیست هابرمیهن ماتحمیل کرده اند ، تحمل کنند . خلق های میهن ما با تظاهرات عظیم ، کم نظیروتاریخی خود ، با یکپارچگی و تزلزل ناپذیری اعجاب انگیزی رای تاریخی خودرابرای سرنگون کردن این رژیم وریشه کن ساختن تسلط امپریالیستی بارهاوبارهابه تمام جهانیان اعلام داشتند . تمام مردم شریف سراسرجهان مبارزات قهرمانانهٔ مردم ایران رابا تحسین واعجاب دنبال می کنندوپیروزی جنبش رهایی بخش ملی ما راخواستارند .

این مبارزه قهرمانانه‌وتاریخی نه تنها رژیم پوسیدهٔ سلطنتی ایران ، بلکه یکی ازمهم ترین عرصه های غارتگری وتجاوزکاری امپریالیست ها رادرجهان به خطر انداخته‌است . به همین جهت امپریالیست های خونخوار ، به سرکردگی امپریالیسم تجاوزکاروغارتگرامریکا ، که هر سال دهها میلیاردلارازثروت ملی ما رابه غارت می برندوکشورما رابه یکی ازعمده ترین پایگاه های تجاوزنظامی خودعلیه خلق های صلح دوست منطقه بدل کرده اند ، باتمام نیرومی کوشنداین رژیم پوسیده رانگهدارند .

یکی از پایگاه های اصلی برای اجرای این سیاست آهرمنی درکشورما عبارتست ازسازمان های آدمکشی مانندساواک ، گاردشهربانی وژاندارمری که به دست جاسوسان حرفه‌ای سازمان های جاسوسی آمریکا واسرائیل به وجودآمده ودهها سال است که جنایتبارترین سیستم پلیسی رابرمیهن ما حاکم کرده اند .

پایگاه اصلی دیگرامپریالیسم ورژیم دست نشانده‌اش هنوزارتش است . بخشی ازژاندارمری آدمکشان وخائنان ، که امپریالیسم ورژیم شاه دست چین کرده وبرارتش مسلط ساخته اند ، با کمک دهها هزارآمریکایی وبه یاری گروهی از افسران ودرجه داران خودفروخته ، باسوءاستفاده ازعدم آگاهی بخشی از سربازان وافسران ، به‌زور اسلحه و تجهیزاتی که بهای آنها باثروت ملی مردم ایران پرداخته شده است ، وبادست زدن به جنایت بارترین کشتار مبارزان جنبش رهایی بخش ملی ایران توانسته اندازسقوط رژیم شاه جلوگیری کنند .

مبارزات یک سال گذشته به روشنی نشان داد که تاهنگامی که رژیم شاه وامپریالیسم این دو پایگاه رادردست دارند ، مبارزات مسالمت آمیز مردم ، تظاهرات واعتصابات ، هرقدر هم عظیم تر وهمه گیرترشود ، به تنهایی نخواهدتوانست ضربهٔ قطعی ونهایی رابه دشمن واردسازد .

رژیم شاه وامپریالیسم جنگ خونین داخلی را به خلق های میهن ما تحمیل کرده اند . لذاوظیفهٔ همه ، میهن پرستان است که باهمان ارادهٔ تزلزل ناپذیری که تاکنون نشان داده اند ، باتدارک همه جانبهٔ مبارزهٔ مسلحانه‌وتلفیق آن باهمهٔ اشکال دیگرمبارزهٔ سیاسی ، دراین میدان نبرد هم ، حملات دشمن رابا شکست روبروساز ندوخودرا برای هجوم نهایی آماده گردانند .

بزرگترین مانع درراه تجهیز این مبارزه خطرفه درصفوف مبارزان ضدرژیم وضدامپریالیست است . رژیم شاه وامپریالیست هامی کوشنداز این وضع به نفع خودبهره برداری کنند . مبارزه رابه همین صورت به درازا بکشانندودرصورت امکان بخش هایی از مبارزان راخسته کنند ، درصفوف متحد خلق تشکل ایجادنمایندوباهمکاری عناصر سازشکار راه حلهای نیم بندی رابه مردم تحمیل کنند ، راه حل هایی که پایه های اصلی تسلط امپریالیستی و ارتجاعی درایران رامورد تهدیدجدی قرارندهد . در کشتاراین تاکتیک موذیانه ، رژیم شاه و امپریالیست ها همیشه آماده اندکه به آخرین حربه ، یعنی قتل عام میهن پرستان وآزادیخواهان به دست سران آدمکش ارتش متوسل شوند .

تنها باگردآوردن همهٔ نیروهای راستین ضد رژیم وضدامپریالیست دریک جبههٔ متحدومتشکل می‌توان این مبارزه راسازمان داد ، همهٔ نیروها رابه کاراندخت وجنبش رهایی بخش ملی رابرای پیروزی نهایی آماده ساخت .

حزب تودهٔ ایران باحساس مسئولیت تاریخی خودازتمام هم میهنان مبارزمی طلبد که همهٔ آن اختلافات سیاسی ، مسلکی وفلسفی را ، که درمرحلهٔ کنونی نبردرهایی‌بخش ملی وحتی برای آینده‌ای دورجنبهٔ فرعی دارند ، کنارگذارندوبرای تشکیل جبههٔ متحدی به منظورتجهیزوسازماندهی نیروهای خلق علیه دشمن مشترک بکوشند . به نظرما هدف چنین جبهه‌ای این بایدباشدکه به همهٔ خواست های مبرم موردپذیرش قاطبهٔ مردم ایران ، که در تظاهرات واعتصابات ماههای اخیربیان گردیده است ، جامه عمل بپوشاند . این خواست هادر دو گروه عمده جمع بندی می شوند :

۱) براندا‌ختن نظام منفورسلطنتی ، استقرار جمهوری متکی به ارادهٔ خلق ، درهم شکستن سازمان های اختناق رژیم شاه ودرراس آنها ، ساواک ، محاکمه ومجازات همهٔ خائنان ، جنایتکاران وغارتگران ، ازشاه وبستگان و راهزنش گرفته تاجنایتکاران ساواک وسایر مسئولان کشتارهای یک ساله‌ٔ اخیر ، تامین همهٔ حقوق وآزادی های فردی واجتماعی مندرج در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر ، آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی ، بازگشت مهاجرین سیاسی ، تدارک مجلس مؤسسان ، تدوین قانون اساسی جدیدوسرانجام روی کاراوردن دولتی که درراه تامین کامل استقلال ملی ، حفظ تمامیت ارضی ، استقرارآزادی های دموکراتیک گام بردارد ، دولتی که ثروت های غارت شدهٔ ملت رااز غارتگران بازستاند ، به چپاول ثروت های ملی پایان دهد ، قراردادهای خریداسلحه از امپریالیست هارالوکندوهمهٔ این ثروت ها رابرای بهسازی اقتصادملی وبهبودفوری و در از مدت زندگی‌زحمتکشان به کاراندازد .

۲) ریشه‌کن ساختن تسلط جنایتبارو غارتگرانهٔ امپریالیست هاازراه لغو قراردادفروش نفت به کنسرسیوم غارتگر ، اداره مستقلانهٔ همهٔ امور مربوط به اکتشاف ، استخراج ، تصفیه وفروش نفت ، امتناع مطلق ازفروش نفت به حکومت صهیونیستی اسرائیل ونژادپرستان آفریقا و رودزی ، اخراج کلیهٔ جاسوسان به اصطلاح کارشناس آمریکایی ، انگلیسی وغیره از ارتش و سایر سازمان های اقتصادی ودولتی ، لغوقرار داد دوجانبهٔ نظامی ایران وآمریکا ، خروج ازپیمان نظامی امپریالیستی سنتو ، پیوستن به جرگهٔ کشورهای بی طرف جهان واتخاذ سیاست دوستی با کلیهٔ کشورهایی که به تمامیت ارضی ، استقلال ملی وآزادی میهن ما احترام بگذارند ، لغو کلیهٔ قراردادهای اقتصادی اسارت آوری که امپریالیست ها به کشورما تحمیل کرده اند و بالاخره پشتیبانی همه جانبه ازجنبش های راستین رهایی بخش ملی وبه ویژه جنبش خلق قهرمان فلسطین علیه امپریالیسم وصهیونیسم .

به نظر حزب تودهٔ ایران اکنون وضع میهن ما به آنجارسیده که دربرابرتجاوزجنایتبار مسلحانهٔ رژیم شاه وامپریالیسم به خلق،تدارک مبارزهٔ مسلحانهٔ خلق مهمترین ومبرم ترین وظیفه در مقابل همهٔ مبارزان ضدرژیم وضد امپریالیست قرارگرفته است . ازاین رو ، با احساس سنگین ترین مسئولیت تاریخی درلحظهٔ کنونی :

۱) کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران ازهمهٔ رهبران جنبش رهایی بخش ملی ایران ، به ویژه از حضرت آیت الله‌العظمی‌خمینی ، حضرت آیت الله طالقانی وآقای دکترکریم سنجابی وسایررهبران جریان های مبارزمذهبی وسیاسی درایران ، که جنایات رژیم رابا گوشت وپوست خوداحساس کرده‌اند دعوت می کندکه تمام نیروو تمام نفوذ واعتبار خودرادرراه تشکیل جبههٔ متحدآزادی ملی‌ایران جبهه‌ای که همهٔ نیروهای راستین میهنی ضد رژیم وضدامپریالیست رادربرگیرد ، به کار اندازند . این جبهه وظیفه خواهدداشت که امر رهبری مبارزات عموم خلق راعلیه شاه و امپریالیسم دردست گیرد ، وضمن استفاده ازهمهٔ شیوه های عادی مبارزه سیاسی ، امورتدارک و رهبری مبارزهٔ مسلحانهٔ خلق راعلیه نیروهای مسلح رژیم شاه سازمان دهد .

۲) کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران ازهمهٔ مبارزان خلق ، ازهمهٔ احزاب ، سازمان ها و گروه های مبارزسیاسی درایران دعوت می کندکه به موازات تلاش برای تشکیل جبههٔ فوق ، امر تشکیل هسته‌ها وگردان های این جبهه رادرمیان خلق ، درهرکارخانه ، هرداشگاه ، هرمدرسه ، هراداره‌ومؤسسه وهمچنین درروستاها ومحلات

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد (لنین)

سنگرهایمان را عمیق تر کنیم

شاه رفت ، اما رژیم او برجاست . ماشین دولتی دیکتاتوری ضربه خورده ، اما درهم شکسته نشده است . شاه رفت ، اما شبح شوم خود را باقی گذاشت . درارتشی که پرورده امپریالیسم است و ملی قدم بدنه آن ، فاسدترین و تبه کارترین توجه ها و مأموره های شاه و اربابان او در رأس آن گماشته شده اند ، درساواک که با جلعوض کردن و تغییر نام میکوشد قامت سراپا خون و چرک و جنگال های درنده و وحشی خود را از نظر رفیام کنندگان سلحشور خلق های ما پنهان دارد ، در شهربانی و ژاندارمری که حتی لحظه ای از خدمت غلامانه و ذلیلانه در درگاه استبداد و امپریالیسم حامی آن غفلت نورزیده اند ، در دربار که نمیگذنده آن هنوز روی دست شورای سلطنت گذاشی باقی مانده است ، در مجلسین که میراث اختناق رستاخیزی و مطهر زنده رژیم پوسیده شاه اند ، در بوروکراسی زنگ زده و آمیخته به جوهر رکود و خون که تارهای عنکبوتی آن تمامی سیستم اداری رژیم دیکتاتوری و فسیل گونه شاه را پوشانده است .

شاه رفت ، اما میراث نکبت بار رژیم ضد ملی و ضد خلقی او با همه حجم و روحیه ی مهاجمش در برابر ماست .

شاه رفت ، اما هنوز عمده ترین اهرم های وابستگی به امپریالیسم جهانخوار به ویژه امپریالیسم آمریکا و مهمترین پایگاه های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی امپریالیسم در میهن ما پابرجاست . تا چنین است جشن خلقی ما ناتمام است . خطر دربند دربند رژیم استبداد و ماشین دولتی هولناک و خونریز آن کمین کرده است . انواع توطئه های امپریالیستی در راه است . تا بنیاد های این رژیم ، تا ماشین دولتی دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم درهم شکسته نشود ، هر لحظه ممکن است سیل خون و مرگ و خطر از درون آن در کوچه ها و خیابان ها و خانه های میهن ما فوران کند . هوشیار باشیم . مبارزه تمام نشده ، بلکه درمحنه ای خطیرتر و حساس تر و حتی پخرنج تر آغاز شده است . از پیروزی مردم نیرو بگیریم ، سنگرهایمان را عمیق تر حفر کنیم . . .

پیش بسوی تدارک همه جانبه مبارزهٔ مسلحانهٔ خلق

سکونی در شهرها ، با شرکت همه مبارزان ، در دست گیرند و با تمام نیرو در گسترش و تحکیم آن بکوشند . در این زمینه سنگین ترین وظیفه بر دوش طبقه کارگر قهرمان و پیراقتخار ایران است که با مبارزه درخشان خود در سالها و به ویژه در ماههای اخیر کاری ترین ضربه را بر پیکر منفور استبداد و امپریالیسم وارد ساخته است . حزب توده ایران ایمان راسخ دارد که در این مرحله از نبرد هم طبقه کارگر ایران در صف مقدم همه زحمتکشان و همه میهن پرستان نقش تاریخی انقلابی خود را ایفا خواهد کرد . هر حسته و هر گردان با بدخمن تجهیز همه نیرو ها برای گسترش مبارزات عادی سیاسی ـ تظاهرات ، اعتصابات و غیره ـ امر تدارک مقاومت و تعرض مسلحانه را در برابر نیروهای سیاه آدمکش رژیم شاه و امپریالیسم نیز در دست خود گیرد .

۲) کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران از همه افسران و درجه داران و سربازان میهن پرست دعوت می کند که مبارزهٔ خود را علیه رژیم شاه از صورت مبارزهٔ منفی فرار از خدمت به مبارزهٔ مثبت عملی به منظور فلج کردن سازمان نظامی رژیم و ایجاد جبههٔ مقاومت و تعرض در داخل ارتش گسترش دهند .

افسران و درجه داران و سربازان میهن پرست !

وظیفهٔ شماست که با همان فداکاری و از خود گذشتگی انقلابی پدران و مادران ، برادران و خواهران خود ، بی باکانه در این نبرد تاریخی شرکت کنید . وظیفهٔ شماست که هسته ها و گردان های جبههٔ متحد آزادی ملی ایران " را در هر سربازخانه و در هر واحد نظامی مخفیانه به وجود آورید ، به هسته ها و گردان های خلقی جبهه بپیوندید . به آنها برای ایجاد شاخه های مسلح ، هم از لحاظ آموزش نظامی و هم از لحاظ رساندن اسلحه و مهمات ، یاری رسانید . وظیفهٔ شماست که با استفاده از همهٔ امکانات ، سازمان نظامی دشمنان خلق را از درون فلج سازید و سربازخانه های رژیم را از داخل به تصرف خلق درآورید .

مبارزان میهن پرست !

همان طور که مبارزان قهرمان در تهران ، اصفهان ، مشهد ، تبریز ، قم ، شیراز و بسیاری از شهرهای دیگر تشخیص داده و با ابتکار خود دست عمل کرده اند نخستین ، فوری ترین و مهمترین وظیفه ای که در مقابل همهٔ نیروهای ضد رژیم شاه و ضد امپریالیسم قرار گرفته ، درهم کوبیدن سازمان های جنایتکار ساواک ، گارد های آدمکش پلیس و واحدهای اختناق ژاندارمری است . با درهم شکستن این سازمان های ترور و اختناق سیاسی ، و پیش از همه ساواک ، کابوس وحشت در کشور از میهن خواهد رفت و پیروزی در این جبههٔ نبرد ، فعالیت افشاگرانه و روشنگرانهٔ سیاسی را در میان افراد ساده و هنوز ناآگاه ارتش و تشویق افراد متزلزل در میان افسران ، درجه داران و سربازان را برای پیوستن به خلق ، به مراتب آسانتر خواهد کرد .

به نظر ما این است مبرم ترین و مهم ترین گامی که جنبش رهایی بخش ملی میهن ما آماده است که بردارد و باید بردارد ، این است مبرم ترین و مهمترین وظیفهٔ تاریخی همهٔ مبارزان و پیش از همه ، تمام رهبران گردان های گوناگون جنبش رهایی بخش ملی ایران !

افتخار جاودان به خلق های قهرمان میهن عزیزمان ایران !
پیش به سوی تشکیل جبههٔ متحد آزادی ملی ایران !
پیش به سوی تدارک همه جانبهٔ مبارزهٔ مسلحانهٔ خلق علیه شاه و امپریالیسم !
با تمام نیرو برای درهم کوبیدن سازمان جنایت کار ساواک و گاردهای آدمکش پلیس دست به کار شویم !

کمیته مرکزی حزب توده ایران
شنبهٔ بیست و سوم دیماه ۱۳۵۷

پیام به هواداران حزب

حزب توده ایران از همه هواداران حزب در ایران دعوت می کند : بکوشید هر چه سریع تر بر اساس رهنمودهای سازمانی حزب گروه انقلابی توده ای به وجود آورید و در جهت تحقق شعار های حزب به فعالیت تبلیغی ، ترویجی و سازماندهی بپردازید و در اولین فرصت با حزب تماس بگیرید .

برای برقراری تماس مستقیم ، با یکی از رفقای صدر صد مورد اطمینان شما از روبسا از طریق یک تلفن عمومی به شماره های ۷۹۰۰۲۱۴ و ۷۹۳۳۲۹۹ در پاریس تلفن کنید و آقای بابر Bayer را بخواهید . آن دوستان شماره تلفنی را که با آن میتوانید با مرکز حزب تماس بگیرید به شما خواهند داد . نه در تلفن اول و نه در تلفن دوم نام واقعی و نشانی خود را نگوئید . خود را با نام مستعار معرفی کنید و به راهنمایی هایی که به شما خواهند دقیقا توجه کنید .

به دست آوردن ، تکثیر و پخش هر چه وسیع تر نشریات حزبی ، از جمله هفته نامه " نوید " و بردن شعارهای حزب به میان توده ها ، به ویژه کارگران ، از مهمترین وظایف هسته ها و گروه های توده ای است .

ما در راه خلق حرکت می کنیم . هدف ما به حق است . راه ما درست است . ما سرانجام پیروز خواهیم شد .

سرود حزب توده ایران

برشکن هر سد اگر خواهی آزادی
برفکن از پی نظام استبدادی
از تلاش ما ظفر یابد داد
عرصهٔ ایران رهد از بیداد
حزب ما توده را سازد پیروز
می رسد فردایی از پی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته ز بند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

اختر رزم ارانی تا تابنده است
شیوه روز به سزای هر رزمنده است
مهر و آزادی رسم و راه ماست
یاری مردم جان پناه ماست
حزب ما توده را سازد پیروز
می رسد فردایی از پی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته ز بند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

کار و دانش را به تخت زر بنشانیم
دیو استعمار ز خانه بیرون راندیم
توده زحمت بهره ور نکوست
صاحب خاک پاک میهن اوست
حزب ما توده را سازد پیروز
می رسد فردایی از پی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته ز بند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

((دوست عزیز شماره ۱۲ را بیذ برید))

برف ۲۱	میترا	خزر

سرنگونی استبداد سلطنتی ، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی

خواست مبرم جنبش انقلابی مردم ایران است